



اوکراین ایران را
به دستکاری در داده‌ها
در پرونده انهدام هواپیمای
اوکراینی متهم کرد



نماینده‌گی‌های سیاسی
مقیم کابل خواستار مشارکت
کامل و معنادار زنان
در روند صلح شدند

صفحه ۲

پرداخت پول صرفیه‌ی برق
در کابل ماهوار شد

صفحه ۲

نشانه‌شناسی پریشان‌گفتاری
در حوزه‌ی جمهوریت

صفحه ۴

امریکا در آستانه‌ی خروج،
افغانستان در لبه‌ی پرتگاه (۲)

آیا مذاکره با طالبان همراه با احتمال
خروج نظامی امریکا به صلح می‌انجامد
یا به فروپاشی افغانستان؟



صفحه ۸

یادداشت روز

روزگار بدون پشتوانه‌ی معلولان

شماری زیادی از افراد دارای معلولیت در افغانستان به تبعیض و پایمال شدن حقوقشان اعتراض دارند. دو روز پیش ده‌ها تن در گردهمایی اعتراضی شرکت کردند که متأسفانه اعتراض‌شان به خشونت کشیده شد. رسانه‌ها گزارش دادند که پولیس ضد شورش با معترضان درگیر شدند. همچنان مدت‌هاست که افراد دارای معلولیت در اعتراض به بی‌توجهی به حقوق‌شان خیمه‌ی تحسن برگزار کرده‌اند. به گفته‌ی معترضان در چهار ماه گذشته همزمان با تحسن با نهادهای مسئول دیدار و گفت‌وگو داشتند اما همچنان مشکلات‌شان پابرجاست و کسی اعتراض‌شان را پاسخ نداده و صدای‌شان را نشنیده است. معترضان گفته‌اند که این بار تا شنیده شدن صدای‌شان بر داد خواهی ادامه می‌دهند. اعتصاب غذایی به‌نظر می‌رسد آخرین گزینه است که معترضان در صورت شنیده نشدن صدای‌شان از متوسل شدن به آن هشدار داده‌اند. خواست و مطالبه‌ی معترضان روشن و مشخص است: مطابق قانون باید سه‌درصد کارمندان ادارات دولتی معلولان باشند؛ نیمی از افراد دارای معلولیت در کشور...

۲

همایش مردم کابل در مورد صلح:

نظام کنونی حفظ و در نشست ترکیه روی آتش‌بس توافق شود



صفحه ۲

ترجمه ۴

دولت موقت باعث نابودی افغانستان خواهد شد

پیشنهاد ایالات متحده برای انحلال دولت افغانستان، خطر تکرار گذشته‌ی غمانگیز است

خواهد داشت. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده در نامه‌ای که به تاریخ ۷ مارچ به بیرون درز کرد، در پیامی صریح اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان را ترغیب کرد تا با روندی موافقت کند که اساساً منجر به برکناری او از قدرت می‌شود، دولت وی را...

دولت افغانستان برای بقا می‌جنگد، زیرا بازیگران خارجی و داخلی از نقاط ضعف‌اش در آماده‌سازی برای خروج امریکا استفاده می‌کنند. آخرین ابتکارات ایالات متحده برای «پایان مسئولانه» جنگ افغانستان که دولت افغانستان را به لبه‌ی چاقو نزدیک می‌کند، احتمالاً نتیجه‌ی معکوس

مژش ۵



بسته‌بودن شاهراه‌های هرات؛ توقف فعالیت کارخانه‌های تولیدی و افزایش قیمت‌ها

دو شاهراه کلیدی ولایت هرات (هرات - اسلام‌قلعه و هرات - نورغندی) از روز شنبه، ۱۴ ماه حمل تاکنون به روی عبور موترهای باربری مسدود است. معترضان در این دو شاهراه از حکومت می‌خواهند که...

ترجمه ۳

در جست‌وجوی همینگوی واقعی

ارنست همینگوی نسخه‌ای از خودش داشت که می‌خواست ما آن را ببینیم؛ همینگوی ماهی‌گیر، اهل گردش و معاشرت، نویسنده‌ی بیش‌مردانه، مردی که دوستانش او را «پاپا» صدا می‌زدند. اما همینگوی نسخه‌ی پنهان دیگری نیز داشت که ما آن را نمی‌دیدیم؛ همینگوی آسیب‌پذیر، همینگوی حساس و همینگوی تنها. این دو نسخه از یک‌دیگر جدا نبودند و اغلب در کار و زندگی همینگوی تلاقی می‌کردند.

میراث غیرشخصی همینگوی بیش از هر چیز دیگری با نوشتار انقلابی او پیوند دارد. سبک نوشتاری او نوآورانه بود: بیان حقیقت ماجرا یا کم‌ترین کلمات ممکن. اما زندگی شخصی او تقریباً به اندازه‌ی کارهایش جلب توجه می‌کرد. همینگوی در پاریس دهه ۱۹۲۰ روی صحنه آمد؛ زمانی که سالن اجتماعات پاریس صحنه‌ی مناظره...

۳

بسته‌های ویژه اینترنتی برای
بلاک‌های رهائشی و خانه‌های انفرادی



AFGHANET

ادامه‌یادداشت‌روز

از سه سال به این سو حقوق ماهانه‌شان را به‌دست نیاورده‌اند و برداشته‌شدن تبعیض میان معلولان جنگی و غیرجنگی، این سه مطالبه‌ی معترضان برحق و تنها سه مورد از ده‌ها مشکل اجتماعی-اقتصادی افراد دارای معلولیت را در افغانستان تشکیل می‌دهد. در سوی دیگر با تمام شعارها و ادعاهای که وجود دارد، هنوز برای زندگی سراسر رنج و وضعیت تأسّف‌بار افراد دارای معلولیت تدبیری سنجیده نشده است.

اطلاعات روز: همایش «صدای مردم کابل در مورد صلح» دیروز از سوی مقام ولایت کابل در ورزشگاه غازی شهر کابل برگزار شد. هزاران باشندۀ کابل در این همایش شرکت کردند. شرکت‌کنندگان این همایش نشست استانبول را فرصت خوبی برای تأمین صلح در کشور دانسته و از طرف‌های دخیل خواستند تا از فرصت پیش‌آمده به نفع روند صلح استفاده کنند.

محمدیعقوب حیدری، والی کابل که در این همایش صحبت می‌کرد، گفت که او در صحبت با اقشار مختلف مردم کابل، دریافته است که تأمین صلح سرتاسری، باعزت و پایدار خواست و آرزوی همه است. آقای حیدری همچنان گفت که مردم کابل صلحی را می‌خواهند که در آن منافع علیای کشور حفظ و از ارزش‌های قانون اساسی پاسداری شود. به‌گفته‌ی او، مردم از طرف‌های درگیر می‌خواهند که از خواسته‌های شخصی و گروهی خود گذشته و به خواسته‌های جمعی مردم احترام بگذارند. حیدری تأکید کرد که طرف‌های درگیر در

همایش مردم کابل در مورد صلح:

نظام کنونی حفظ و در نشست ترکیه روی آتش‌بس توافق شود

مردم بالای مردم از طریق نماینده‌های انتخابی‌شان و همچنان یک اصل عمده‌ی مردم‌سالار و استوار بر ارزش‌های دموکراتیک خوانده و از کشورهای خارجی دخیل در روند صلح، سازمان ملل و جهت‌های داخلی خواسته‌اند که این حق مدنی و شهروندی را از مردم نگیرند.

در ماده‌ی هشتم این قطع‌نامه به خروج نیروهای خارجی از افغانستان اشاره شده است. طبق این ماده، مردم کابل می‌خواهند که نیروهای خارجی با درنظرداشت شرایط امنیتی افغانستان، مسئولانه و مبتنی بر وضعیت افغانستان را ترک کنند.

آنان تأکید کرده است که نباید افغانستان بار دیگر پس از خروج نیروهای خارجی، با جنگ‌های داخلی مواجه شده و دوباره به پایگاه نظامی سازمان‌های تروریستی جهان مبدل شود.

این قطع‌نامه‌ی ۱۱ ماده‌ی همایش مردم کابل زیر نام «صدای مردم کابل در مورد صلح» به حکومت، شورای عالی مصالحه‌ی ملی، نمایندگی سازمان ملل متحد، طالبان و نمایندگی‌های سیاسی مقیم کابل فرستاده شده است.

هنگفت مالی برای مردم شده و از طرف‌های درگیر همچنان خواسته شده است که در نخستین اقدام‌شان در نشست استانبول، آتش‌بس دائمی و یا موقت را زیر نظر سازمان ملل الی رسیدن به یک تفاهم، اعلام و عملی کنند.

مردم کابل در این قطع‌نامه گفته‌اند که خواهان یک صلح پایدار، باعزت، همه‌شمول و قابل قبول برای همه اند که باعث حفظ نظام جمهوریّت، نیروهای امنیتی و دفاعی، ارزش‌های قانون اساسی، ارزش‌های دموکراتیک، مشارکت عادلانه در قدرت و ساختار سیاسی افغانستان و حراست از حقوق شهروندی و حقوق بشری به‌ویژه حقوق زنان، کودکان و قربانیان جنگ شود.

در ماده‌ی ششم قطع‌نامه آمده است: «مردم کابل مانند سایر شهروندان کشور، پس از تجربه‌ی پیامدهای تلخ و ناگوار حاکمیت‌های ایدئولوژیک و بنیادگرایی مذهبی، دیگر حاضر نیستند تا به عقب برگشته، این تجارب تلخ را بار دیگر بیازمایند.»

مردم کابل انتخابات را اصل حاکمیت

نخست باید روی یک آتش‌بس سراسری توافق کنند. او گفت: «آرزوی ما این است که یک نظام منتخب و مبتنی بر آرای مردم داشته باشیم. نظامی که در آن دست‌آوردهای ۲۰ سال اخیر حفظ شود.» والی کابل در این همایش افزود که در روند صلح روی آزادی بیان، حقوق زنان، ارزش‌های حقوق بشری، انتخابات، نیروهای امنیتی و دفاعی، رسانه‌ها و دیگر دست‌آوردهایی که در نتیجه‌ی سال‌ها تلاش و قربانی به‌دست آمده است، نباید معامله و مذاکره شود.

از سوی هم، همایش دیروز مردم کابل یک قطع‌نامه‌ی ۱۱ ماده‌ای را صادر کرده است. در ماده‌ی اول این قطع‌نامه از نشست صلح استانبول که قرار است در آینده‌ی نزدیک برگزار شود، به‌عنوان یک فرصت «بی‌نظیر» به‌خاطر تأمین صلح یاد شده و از تمامی طرف‌های این نشست خواسته شده است که در جریان مذاکرات برای رسیدن به یک اجماع و تفاهم همه‌جانبه با حسن نیت عمل کنند.

طبق ماده‌ی دوم این قطع‌نامه، سال‌ها جنگ باعث تلفات جانی و خسارات

نمایندگی‌های سیاسی مقیم کابل خواستار مشارکت کامل و معنادار زنان در روند صلح شدند

اجبار، حق تحصیل و فرصت‌های کاری از حقوق اساسی آنها به‌شمار می‌روند.» گروه سفیران دوست زنان در افغانستان در این اعلامیه گفته است که مذاکرات صلح این کشور به مرحله‌ی حساس رسیده و بحث‌ها در مورد گزینه‌های گوناگون در ارتباط به آینده‌ی افغانستان جریان دارد.

این گروه از طرف‌های درگیر در افغانستان خواسته است که به زنان احترام داشته باشند و در روند تصمیم‌گیری از طریق نمایندگی مستقیم و مشورت با آنان و همچنان درنظر داشتن آسیب‌پذیری تاریخی و تبعیض در برابر آنان، فضای سالم برای زنان افغان ایجاد کنند.

این درحالی است که قرار است در آینده‌ی نزدیک یک نشست «سرنوشت‌ساز» در پیوند به صلح افغانستان در استانبول ترکیه برگزار شود. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و همچنان دیدبان جهانی حقوق بشر نیز از حضور کم‌رنگ زنان در نشست استانبول ابراز نگرانی کرده بودند.

اطلاعات روز: گروه سفیران دوست زنان در افغانستان خواستار مشارکت کامل زنان و معنادار زنان در روند صلح شده و گفته است که توافق سیاسی پایدار و بازسازی افغانستان بدون حضور زنان موفق نخواهد بود.

گروه سفیران دوست زنان در افغانستان متشکل از نمایندگان ارشد کشورهای خارجی مقیم کابل است. استرالیا، دنمارک، شبکه‌ی انکشافی آغاخان، کانادا، اتحادیه اروپا، نیدرلیند، ترکیه، انگلستان، سازمان ملل متحد و ایالات متحده‌ی امریکا در ترکیب این گروه حضور دارند.

در اعلامیه‌ی این گروه آمده است که زنان نصف جامعه‌ی افغانستان را تشکیل می‌دهند و مشارکت معنادار آنان در تصمیم‌گیری‌های آینده‌ی افغانستان لازمی و کلیدی است. به نقل از اعلامیه، براساس قوانین افغانستان و تعهدات بین‌المللی، زنان افغان حق دارند که صدای‌شان شنیده شود. در اعلامیه آمده است: «مشارکت کامل و معنادار زنان افغان در تمام امور سیاسی کشور، مصونیت و امنیت، آزای از هر نوع خشونت و

خلیلی:

حلقاتی در حکومت می‌خواستند از قضیه‌ی بهسود یک بحران ملی بسازند

حکومت و نظام نیز در سر ندارند. خلیلی افزود که برای جلوگیری از حادثات بهسود بسیار تلاش کرد و از اتحادیه اروپا، عبدالله عبدالله، حامد کرزی، شورای امنیت ملی و مشاور سیاسی جنرال اسکات میلر خواستار جلوگیری از فاجعه‌ی بهسود شد، اما تلاش‌های او به نتیجه نرسید.

او از جامعه جهانی انتقاد کرد و گفت که هجوم بر بهسود با امکانات شرکای بین‌المللی دولت افغانستان صورت گرفته است، اما آنان خاموشی اختیار کرده است. محمدکریم خلیلی در مورد موضوع کوچی‌ها نیز اشاره کرد و گفت زمانی که او معاون دوم ریاست‌جمهوری بود، بارها از حامد کرزی، رییس‌جمهوری پیش خواستار حل ریشه‌ای مشکل کوچی‌ها مطابق به قانون اساسی شده بود، اما طرح او که دادن اسکان مشخص برای کوچی‌ها بود، پذیرفته نشد.

گفت که در فاجعه‌ی بهسود ۱۱ غیرنظامی کشته و ۳۹ غیرنظامی دیگر زخمی شدند. از سوی هم، آقای خلیلی گفت که مسعود اندرابی می‌خواست به بهسود سفر کرده و از مردم بهسود معذرت‌خواهی کند و در عین حال قصد داشت تمام «شهدا را به‌عنوان شهدای جمهوری افغانستان» ثبت کند. او تأکید کرد که اندرابی پیش از سفر به بهسود، به بهانه‌ی سقوط چرخبال از وظیفه‌اش برکنار شد.

خلیلی از حکومت خواست که هرچه زودتر نیروهای امنیتی اعزام‌شده به بهسود را از این ولسوالی خارج کند. او تأکید کرد که نباید از نیروهای امنیتی به‌عنوان ابزار سیاسی علیه مردم استفاده شود.

او همچنان گفت که مردم بهسود حامی نظام مردم‌سالار هستند و نه تنها که هیچ مشکلی با حکومت ندارند، بلکه هیچ فکر و برنامه‌ای برای براندازی و یا جنگ با

می‌کند، حکومت به آن به اندازه‌ی رویداد بهسود واکنش نشان نمی‌دهد. به‌گفته‌ی او، ۲۰۰ پاسگاه در قندهار به طالبان تسلیم شدند و اخیراً یک چرخبال ارتش در هلمند سقوط داده شد، اما حکومت «به بهانه‌ی سقوط هلی‌کوپتر» در بهسود، هم نیروی سنگینی به این ولسوالی اعزام کرد و هم مسعود اندرابی را از وزارت داخله برکنار کرد.

معاون پیشین رییس‌جمهور گفت که آقای اندرابی پس از آن‌که یافته‌های گزارش هیأت حقیقت‌یاب رویداد دهم دلو سال گذشته در بهسود را پذیرفت، از وظیفه‌اش برکنار شد.

گزارش هیأت حقیقت‌یاب تأیید کرده بود که غیرنظامیان در ولسوالی حصه‌ی اول بهسود غیرمسلح بوده‌اند که در نتیجه‌ی تیراندازی نیروهای امنیتی کشته و زخمی شده‌اند. خلیلی نیز امروز در صحبت‌هایش

محمدکریم خلیلی، معاون پیشین ریاست‌جمهوری و رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان می‌گوید که حلقاتی در حکومت تلاش می‌کردند که از قضیه‌ی بهسود ولایت میدان‌وردک یک «بحران ملی» ساخته و در برابر صلح چالش ایجاد کنند. او پیش از این نیز حکومت را به ادامه و گسترش بحران در بهسود متهم کرده بود.

آقای خلیلی که دیروز (جمعه، ۲۰ حمل) در جمعی از باشندگان بهسود صحبت می‌کرد، همچنان گفت که برخی از حلقات در حکومت می‌خواستند به قضیه‌ی بهسود جنبه‌های «فراقانونی» بدهند، اما باشندگان بهسود با حوصله‌مندی ثابت کردند که حکومت به دنبال بهانه‌گیری خلیلی گفت درحالی که گوشه‌گوشه‌ی کشور و ولسوالی‌ها به‌دست طالبان سقوط

اطلاعات روز: شرکت برق‌رسانی افغانستان (برشنا) اعلام کرده است که پول صرفیه‌ی برق پس از این به‌گونه‌ی ماهوار پرداخت خواهد شد.

در اعلامیه‌ی شرکت برشنا که دیروز (جمعه، ۲۰ حمل) منتشر شده، آمده است که این روند نخست در کابل و سپس در دیگر ولایت‌ها تطبیق خواهد شد.

به نقل از اعلامیه، ماهوارشدن بل برق افزون بر کاهش صرفیه‌ی مشتریان شرکت برشنا، در راستای انکشاف اقتصادی افغانستان نیز نقش اساسی خواهد داشت و هزینه‌ی برق را نیز نصف می‌کند. شرکت برشنا افزوده است که ماهوارشدن پرداخت پول صرفیه‌ی برق به این شرکت زبان مالی به بار می‌آورد، اما این تصمیم را با درک وضعیت نابسامان اقتصادی مشتریان، به ویژه خانواده‌های فقیر، گرفته است.

طبق این اعلامیه، شرکت برشنا تعهد کرده است که پس از درک و شناسایی همه

پرداخت پول صرفیه‌ی برق در کابل ماهوار شد

خلاها و نارسایی‌ها به تدریج روند برق‌رسانی را سرعت می‌دهد و تعرفه‌ی یکسان را نیز اجرا می‌کند.

با این حال، شرکت برشنا از مردم خواسته است که در پرداخت پول صرفیه‌ی برق به‌صورت ماهوار تعلل نکنند.

شرکت برشنا پیش از این پول صرفیه‌ی برق را هر دو ماه یک بار جمع‌آوری می‌کرد. مشتریان بارها از اضافه‌ستانی شرکت برشنا بابت صرفیه‌ی برق شکایت داشتند و از این شرکت خواسته بودند که بل‌های صرفیه‌ی برق را به‌صورت ماهانه ترتیب کند.

در پاسخ به این خواست شهروندان، رییس‌جمهور اشرف غنی در ماه دلو ۱۳۹۸ خورشیدی از شرکت برشنا خواست تا جلو فساد در این شرکت را گرفته و بل‌های صرفیه‌ی برق را به‌شکل ماهوار ترتیب کند.

الیزابت جینیس، مجله اسمیتسونین
مترجم: جلیل پژواک

ارنست همینگوی نسخه‌ای از خودش داشت که می‌خواست ما آن را ببینیم؛ همینگوی ماهی‌گیر، اهل گردش و معاشرت، نویسنده‌ی بیش‌مردانه، مردی که دوستانش او را «پاپا» صدا می‌زدند. اما همینگوی نسخه‌ی پنهان دیگری نیز داشت که ما آن را نمی‌دیدیم؛ همینگوی آسیب‌پذیر، همینگوی حساس و همینگوی تنها. این دو نسخه از یک‌دیگر جدا نبودند و اغلب در کار و زندگی همینگوی تلاقی می‌کردند.

میراث غیرشخصی همینگوی بیش از هر چیز دیگری با نوشتار انقلابی او پیوند دارد. سبک نوشتاری او نوآورانه بود: بیان حقیقت ماجرا با کم‌ترین کلمات ممکن. اما زندگی شخصی او تقریباً به اندازه‌ی کارهایش جلب توجه می‌کرد. همینگوی در پاریس دهه ۱۹۲۰ روی صحنه آمد؛ زمانی که سالن اجتماعات پاریس صحنه‌ی مناظره غول‌هایی همچون «اسکات فیتزجرالد»، «گرتروود استاین» و «جیمز جویس» بود. همینگوی بعداً در خانه‌اش در جزیره «کی وست» ایالت فلوریدا و کوبا زندگی کرد. او در طول زندگی خود بیش از ۹ رمان و مجموعه داستان کوتاه منتشر کرد که بسیاری‌شان روایات جنگ در اروپاست. «زنگ‌ها برای که به صدا در می‌آیند»، «خورشید همچنان می‌دمد» و «داشتم و نداشتم» از جمله مشهورترین آثار همینگوی به‌شمار می‌روند. او در سال ۱۹۵۳ برای کتاب «پیرمرد و دریا» برنده جایزه پولیتزر شد. پیرمرد و دریا یکی از آخرین کارهای او بود و وقتی همینگوی هنوز زنده بود منتشر شد. یک سال بعد او برای مجموعه آثار ادبی که تولید کرده بود برنده جایزه نوبل ادبیات شد.

مستند سه‌قسمتی جدید به کارگردانی «کن برنز» و «لین نوویک» که از ۵ تا ۷ اپریل در شبکه «بی‌بی‌اس» پخش شد، به میراث همینگوی پرداخته و شناخت ما از این مرد نویسنده و هنرمند را به چالش می‌کشد. نثر منحصر به فرد همینگوی، سبک زندگی آزاد و ماجراجویانه‌ی او و زندگی حرفه‌ای او به‌عنوان روزنامه‌نگار و سرباز، همه دست به دست هم دادند تا همینگوی به نوعی مظهر مردانگی ایده‌آل تبدیل شود.

«ماری وی. دی‌بورن»، نویسنده زندگی‌نامه‌ی همینگوی می‌نویسد که همینگوی «یک سلسله رمان و داستان منتشر کرد که باعث شد خوانندگان، به خاطر او، جهان را مکانی متفاوت، پر جنب‌وجوش‌تر، زنده‌تر، ساده‌تر و درعین‌حال عاشقانه‌تر ببینند. با این‌وجود مشکلی وجود داشت... ارنست داد و ستد در عشق، وفاداری در دوستی و شاید غم‌انگیزتر از همه، گفتن حقیقت، حتی به خودش، را دشوار یافت.»

یک عکس غیررسمی از همینگوی ۲۸ ساله که توسط هنرمند «من ری» در پاریس گرفته شده و در کلکسیون نگارخانه ملی پرتره مرکز اسمیتسونین نگهداری می‌شود، یکی از چند نگاره‌ی است که پس از آسیب‌دیدگی جدی همینگوی در حادثه‌ای در صبح زود روز چهارم مارچ ۱۹۲۸، گرفته شده است. حادثه فروریختن نورگیر سقف جای زخم دائمی را بر چهره و روان این نویسنده برجای گذاشت.

در این پرتره همینگوی نقطه‌ای را در فاصله‌ی دور زیرنظر دارد، کراواتش بد بسته شده و یقه‌اش نامنظم است. صورتش تراشیده و کلاه آلپ‌اش طوری کج است که گویی در صحنه بعد ممکن است از روی سرش سر بخورد. من ری از جمله سرآمدانی بود که در پاریس دهه ۱۹۲۰ با همینگوی معاشرت داشتند. در واقع این پرتره تنها عکسی نیست که من ری از همینگوی گرفت. او تعداد زیادی پرتره از جمله تصویری از همینگوی را در سال ۱۹۲۶ به همراه پسرش ثبت کرد. در پرتره ۱۹۲۸ همینگوی، بانداژ از زیر کلاه دلقک‌مانند او دیده می‌شود. همینگوی ساعت ۲ بامداد پس از یک شب می‌گساری با نویسنده «آرچی بالد مک‌لیش» به خانه بازگشته و به دست‌شویی رفته بود و تنای

در جست‌وجوی همینگوی واقعی

ارنست همینگوی نسخه‌ای از خودش داشت که می‌خواست ما آن را ببینیم؛ همینگوی ماهی‌گیر، اهل گردش و معاشرت، نویسنده‌ی بیش‌مردانه، مردی که دوستانش او را «پاپا» صدا می‌زدند. اما همینگوی نسخه‌ی پنهان دیگری نیز داشت که ما آن را نمی‌دیدیم

«ورنا کل» از «دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا» منتشر شود. نامه‌های همینگوی همچون «آتش پر جنب‌وجوش و پرحرارت و سریع» هستند و به ندرت به اندازه داستان‌های او با دقت و احتیاط اصلاح شده‌اند. نامه‌های همینگوی برای نویسنده‌ای که به دلیل تأکید بر خودداری از پرگویی در متن و «تئوری کوه یخ» اش شناخته می‌شود، خیلی خویشتن‌دارانه نیست. برنز می‌گوید: «نثر داستانی او چنان فوق‌العاده و چنان بازتابی از نظم خارق‌العاده و خوداصلاح‌گری بی‌رحمانه‌ی او در متن است، که نامه‌ها باعث تسکین خواننده می‌شود. این نامه‌ها به آدم حس شخصی واقعی را می‌دهد، کسی که پر از اضطراب، شک، آسیب‌پذیری و عصبانیت است.»

برنز می‌گوید که بیان این‌که همینگوی چه کسی بود (نه صرفاً پرداختن به اسطوره همینگوی و شهرت معنوی وی) چالش اصلی ساخت این مستند بوده است. همین چالش یکی از دلایلی بوده که تیم برنز و نوویک تصمیم گرفتند که از عکس من ری در مستند خود استفاده نکنند. در مستند حادثه فروریختن نورگیر به‌عنوان بخشی از یک روایت بزرگ‌تر معرفی می‌شود: همینگوی ورزش‌های تماشای را انجام داده بود و سرش از قبل نیز چند بار ضربه خورده بود. حادثه فروریختن نورگیر و آسیب ناشی از آن یکی از ۹ واقعه جدی ضربه مغزی بر همینگوی بود. او قبلاً سقوط هواپیما و تصادف با موتر را پشت سر گذاشته بود. در حادثه تصادف با موتر، سر همینگوی از شیشه جلوی موتر بیرون زده بود.

همینگوی احتمالاً دچار «انسفالوپاتی مزمن ناشی از ضربه» بوده. انسفالوپاتی مزمن ناشی از ضربه همان عارضه‌ای است که بازیکنان فوتبال در اثر برخورد شدید و مکرر توپ به سرشان به آن دچار می‌شوند. برنز و نوویک می‌خواستند این آسیب‌دیدگی را جدی نشان دهند تا آسیب‌پذیری همینگوی را به تصویر کشیده باشند. اما عکسی که من ری پس از حادثه نورگیر از همینگوی با آن کلاه آلپ‌اش گرفته بود، بیش از حد کمیک به‌نظر می‌رسد. برنز می‌گوید که این تصمیم بخشی از انتخاب‌های هنرمندانه‌ای بود که سازندگان مستند در استفاده از تصاویر برای پروژه انجام دادند.

او می‌گوید: «خواننده با پیامی که یک عکس منتقل می‌کند فراتر از آنچه در روایت ممکن است ببیند یا از کسی که همینگوی می‌خواند بشنود، دست‌وپنجه نرم می‌کند. ما باید روان‌شناسی پیچیده آن پرتره را درک کنیم. رد آن یک تصمیم آگاهانه بود زیرا فاقد جدیتی است که ما می‌خواستیم با آن به ضربه مغزی دوم همینگوی بپردازیم.» با این‌حال برنز آن پرتره را فراموش نمی‌کند. او به آن علاقه‌ی خاصی دارد و آن را عکس «افسانه‌وار» همینگوی می‌خواند. بانداژی که در عکس دیده می‌شود تقریباً به مثابه توضیح ثانویه طبیعت غریب و تصادفی تصویر است.

ووس می‌گوید گرچه آن پرتره مدت کوتاهی پیش از انتشار وداع با اسلحه در سال ۱۹۲۹ گرفته شد، اما انتشارات اسکرینر هرگز از آن برای تبلیغ استفاده نکرد. او همچنین معتقد است که من ری، هنرمند و عکاس



پرتره‌ی ارنست همینگوی که در پاریس سال ۱۹۲۸ توسط هنرمند من ری گرفته شده و اکنون در نگارخانه ملی پرتره مرکز اسمیتسونین نگهداری می‌شود.

مورد اصابت خمپاره نیروهای اتریش قرار گرفت. همینگوی برای درمان به شفاخانه فرستاده شد. در آن‌جا او عاشق یک پرستار امریکایی به نام «آگنس فون کوروفسکی» شد که احتمالاً اولین عشق جدی همینگوی بوده. گرچه اوایل به‌نظر می‌رسید که خانم کوروفسکی عشق همینگوی را با عشق پاسخ می‌داده، اما هنگامی که همینگوی از جنگ به خانه بازگشت، کوروفسکی در نامه‌ای به او گفت که قصد دارد با کس دیگری ازدواج کند. این رویدادهای سرنوشت‌ساز به منبع الهام همینگوی برای نوشتن وداع با اسلحه بدل شد. داستان وداع با اسلحه در جبهه ایتالیا در جنگ جهانی اول آغاز می‌شود و بر عشق بین یک پرستار و یک راننده آمبولانس متمرکز است.

روان‌پزشک «اندرو فرح»، نویسنده «مغز همینگوی»، یک تشخیص پزشکی پیچیده از این نویسنده افسانه‌ای، می‌گوید که آسیب‌دیدگی شدید دوم همینگوی ممکن است برایش به‌عنوان یادآور جراحت اول وی عمل کرده باشد. فرح در توصیف صحنه‌ی پسا سقوط شیشه نورگیر بر روی سر همینگوی می‌نویسد: «او علائم ضربه مغزی داشت، هذیان می‌گفت و سروصدا می‌کرد. اما به یاد داشت که خورش چه طعمی دارد، خون خودش. آن حادثه او را به یاد لجن جبهه جنگ در ایتالیا و طعمی که خون می‌داد، انداخت. آن حادثه نیرویی را آزاد کرد.»

همینگوی در همان نامه ۱۷ مارچ به پرکینز درباره دو پروژه‌ای که روی دست داشت بحث کرد؛ این‌که یکی از آن‌ها موفقیت زیادی کسب می‌کند و دیگری هرگز به پایان نمی‌رسد. این کلمات او پیش‌گویانه بودند. او درحالی‌که با همسر دوم خود، «پائولین ماریا فایفر»، درحال سوارشدن به کشتی‌ای در سواحل فرانسه بودند تا فایفر بتواند برای به دنیاآوردن اولین فرزندش به ایالات متحده برگردد، نوشت: «ولی دوست دارم یک رمان لعنتی خوب بنویسم.»

ووس می‌گوید که همینگوی نوشتن نسخه اول وداع با اسلحه را طی شش ماه به پایان رساند.

برنز و نوویک برای مستند خود بیش از هر چیز به نامه‌های همینگوی تکیه کرده‌اند. نامه‌های همینگوی قرار است در قالب یک مجموعه با ویرایش «ساندرا اسپانیز» و

سورنالیست که هسته «جنبش دادا» در نیویورک به‌شمار می‌رفت و به خاطر نوآوری‌هایش در عکاسی و ریوگرام معروف بود، نیز این عکس را علنی نکرده بود.

با این‌حال از نظر ووس که نمایشگاه «تصویر همینگوی» را در صدمین سالگرد تولید همینگوی در سال ۱۹۹۹ برگزار کرد، پرتره من ری از همینگوی نماد کامل بن‌مایه‌ی داستان جنگ‌جوی زخمی «وداع با اسلحه» است.

در خانه و موزیم ارنست همینگوی در جزیره کی وست، راهنمایان تور از این عکس برای بیان طبع حادثه‌خیز و سانه‌پذیر همینگوی استفاده می‌کنند. به گفته «اندرو مورائوسکی»، مدیر این موزیم مردم اغلب می‌پرسند که چرا همینگوی آن همه گربه (پشک) شش انگشتی داشت. پاسخ این پرسش کوتاه است: زیرا او خیلی بدشانس بود. گفته می‌شود که گربه‌های شش انگشتی خوش‌شانسی می‌آورند.

مورائوسکی می‌گوید باری همینگوی در میدان جنگ جهانی دوم زمانی که رضاکار صلیب سرخ بود، خمپاره‌ای در نزدیکی‌اش برخورد کرد و ۲۵۰ قطعه ترکش وارد بدنش شد. او همچنین از دو سانه هواپیما، فرو ریختن شیشه‌ی نورگیر سقف بر روی سرش و از بی‌شمار حادثات و ضربه‌های دیگر در طول زندگی‌اش جان به در می‌برد.

همینگوی در نامه ۱۷ مارچ خود به پرکینز حتا در مورد استعداد زخمی‌شدنش شوخی می‌کند و با اشاره به حادثه فروریختن نورگیر می‌نویسد: «شاید این آخرینش باشد. اسکرینر می‌توانست امسال با بیمه من پول به جیب بزند.»

طبقه‌بندی‌کردن استعداد زخمی‌شدن همینگوی به روش عزرا پاوند به‌عنوان مجازات یک شب مستی و عیاشی، وسوسه‌انگیز است. اما جراحات همینگوی و سروکل‌زدن این نویسنده با مرگ (تا زمان مرگش در نتیجه خودکشی در سال ۱۹۶۱) ارتباط عجیب و غریبی با کار وی دارد. او در نامه ماه مارچ خود به پرکینز درباره فایفر می‌نویسد: «همسرم با قضاوت از روی حادثات در هفته‌ای که گذشت می‌گوید که من اغلب وقتی نمی‌توانم بنویسم خون‌ریزی می‌کنم.»

برنز می‌داند که رنج‌بردن مواد هنر است و همینگوی مظهر آن. در تجربه‌های همینگوی به‌عنوان خبرنگار «کانزاس سیتی استار»، به‌عنوان راننده آمبولانس در طول جنگ جهانی اول و به‌عنوان مردی که چهار بار ازدواج کرد، فاجعه‌ای به نمایش گذاشته می‌شود.

برنز می‌گوید: «هرگاه که اوضاع داخلی به نوعی برایش آرام می‌شود، چه در پاریس و چه در کی وست، او طوفانی بر می‌انگیزد. او کسی است که به شیوه جالبی متوجه شده که فاجعه، رنج و فرسایش امکان هنر را فراهم می‌کند.»

پرتره من ری از همینگوی یکی از معدود تصاویر همینگوی در کلکسیون نگارخانه ملی پرتره است. دیگری، نقاشی «الدو پیرس» از همینگوی در سال ۱۹۲۸ است که برنز می‌گوید پشیمان است که چرا آن‌را در مستند استفاده نکرده است. سومی پرتره هیجان‌آور و نمادین «یوسف کارش» از همینگوی در سال ۱۹۵۷ است. ووس آن‌را عکس همینگوی پس از دریافت جایزه نوبل برای پیرمرد و دریا می‌نامد.

در سال ۱۹۵۷ هنگامی که یوسف کارش برای ملاقات با همینگوی به کوبا رفت، «انتظار داشت که در همینگوی ترکیبی از قهرمان‌های رمان‌هایش را ملاقات کند.» اما این چیزی نبود که او دید. کارش می‌نویسد: «من در همینگوی مردی با ملامت عجیب و غریب یافتم؛ خجالتی‌ترین مردی را دیدم که تاکنون ازش عکس گرفته‌ام؛ مردی که از جانب زندگی به طرز بی‌رحمانه‌ای آذیت شده بود اما شکست‌ناپذیر به‌نظر می‌رسید.»

الیزابت جینیس، نویسنده و روزنامه‌نگار، در سن پترزبورگ فلوریدا زندگی می‌کند.



Getty Images

دولت موقت باعث نابودی افغانستان خواهد شد

پیشنهاد ایالات متحده برای انحلال دولت افغانستان، خطر تکرار گذشته‌ی غم‌انگیز است

در نظرسنجی‌های پارلمانی ۲۰۱۸ و انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۹ مشاهده کردم، موانع قابل توجهی برای برگزاری انتخابات بود. بسیار منطقی است که فکر کنیم نامزدهای طالبان موافقت می‌کنند که به‌عنوان مثال اسکن‌های بیومتریک و عکس‌های آنان برای یک روند انتخاباتی گرفته شود که شورشیان هرگز به‌عنوان راهی برای مشروعیت سیاسی قبول نکرده‌اند و بر هر فرصتی با خشونت حمله کرده‌اند.

این به همان اندازه خطرناک است اگر در نظر بگیریم که نهاد انتخاباتی افغانستان به درجه اعتماد عمومی و بی‌طرفی برای اجرای انتخابات به‌روش معتبر دست یافته‌اند. حتماً اگر چنین باشد، تهدید یا استفاده از زور برای حذف یا ایجاد رعب و وحشت در مقامات انتخاباتی، باعث می‌شود روند انتخابات یک ظاهر سازی با نتایج بسیار بی‌معنا باشد. یک انتخابات نادرست شرایط خشونت گسترده را بدون تقریباً هیچ وسیله‌ای برای پایان دادن به آن، به پختگی می‌رساند.

سرانجام، تغییرات در اتحاد تحت رهبری دولت ربانی در بین سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۶ بین نخبگان سیاسی، امکان نبود دولت را تقویت کرد که بیشتر از همه در تجزیه ارتش افغانستان احساس شد. دولت ربانی ضعیف

از آن‌جا که روندهای انتخابات رأی‌دهندگان از حق رای خارج کرد و در نتیجه‌ای قلب در مقیاس بالا نتوانست برندگان مشخصی را معرفی کند، اعتبار انتخابات به‌شدت صدمه دیده است.

این ایده که در صورت رفتار سرکوب‌گرانه طالبان می‌توان از انتخابات برای کنار زدن آنان استفاده کرد، خیال محض است. به همین ترتیب، غیرممکن است تصور شود که نامزدهای طالبان به‌عنوان سیاستمداران در مجلس‌های شورای ملی و یا ریاست‌جمهوری، درگیر بحث و مجادله می‌شوند. حتماً سازوکارهای انتخاباتی که من

مشکل در انحلال شاخه‌های فعلی دولت و ایجاد شاخه‌های برابر جدید همه غیرمنتخب، این است که هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که نماینده‌ی مردم است. علاوه بر این، احتمالاً رقابت بین این شاخه‌های برابر جهت تقدم یکی بر دیگری منجر به درگیری بیشتر خواهد شد.

حل اختلافات در یک دولت سیاسی موقت است، وجود ندارد. واشنگتن یک پیش‌نویس هشت‌صفحه‌ای را پیشنهاد می‌کند که در آن زلمی خلیل‌زاد، فرستاده ویژه‌ی ایالات متحده در تلاش است تا رهبران دولت فعلی را با رهبران دولت موقت جایگزین کند، سه شاخه «برابر» دولت را ایجاد کند، آتش‌بس گسترده به‌وجود بیاید و پس از تشکیل دولت موقت انتخابات برگزار شود. شاخه‌های برابر شامل یک قوه مجریه، یک نهاد نمایندگی ملی یا شورا و یک دادگستری با یک دادگاه عالی و دادگاه‌های ابتدایی است. علاوه بر این، یک شورای عالی فقه اسلامی و کمیسیونی برای تهیه قانون اساسی جدید نیز تشکیل خواهد شد.

مشکل در انحلال شاخه‌های فعلی دولت و ایجاد شاخه‌های برابر جدید همه غیرمنتخب، این است که هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که نماینده‌ی مردم است. علاوه بر این، احتمالاً رقابت بین این شاخه‌های برابر جهت تقدم یکی بر دیگری منجر به درگیری بیشتر خواهد شد.

چهارم، انتظار برای اقدام سریع دولت موقت در برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه ملی به‌شدت بی‌جاست. به‌رغم تلاش در دو دهه گذشته برای ایجاد نهادهای دموکراتیک در افغانستان،

دولت موقت را به‌هم پیوند دهد، محتاط بود. دلایلی که منجر به فروپاشی دولت ربانی شد، همچنان پابرجاست و پنج عنصر برجسته که تقریباً تکرار غم‌انگیز را به‌طور قطعی تضمین می‌کند، هنوز هم وجود دارد.

نخست، نخبگان سیاسی افغانستان به‌شدت پراکنده‌اند. مراسم دوگانه‌ی سوگند ریاست‌جمهوری در مارچ ۲۰۲۰ که در آن هم غنی و هم عبدالله عبدالله، رئیس‌اجرای سابق وی ادعا کردند که به مقام ریاست‌جمهوری اتحاد نخبگان بگذارند. مایک پمپئو، وزیر امور خارجه وقت آمریکا، پس از آن که غنی و عبدالله برای تشکیل «حکومت فراگیر» متقاعد نشدند، از قطع کمک یک میلیارد دلاری آمریکا به افغانستان خبر داد و تهدید کرد که یک میلیارد دیگر در سال ۲۰۲۱ نیز قطع خواهد شد.

تلاش‌های پمپئو نشان داد که تا چه حد می‌توان از ارزش‌های سخت برای ایجاد راه حل‌های سیاسی استفاده کرد. با خروج ایالات متحده، عملکرد پول به‌جای تسکین موقت که با توقف جریان پول به‌راحتی از بین می‌رود، به‌عنوان تعمیرکننده روابط سیاسی، می‌تواند چالش‌برانگیزتر باشد.

بنابراین، غیرمسئولانه خواهد بود اگر تصور کنیم که یک دولت موقت به نمایندگی از مجموعه نخبگان سیاسی می‌تواند با صلح و سازش درباره‌ی مصالحه‌هایی که دولت را سالم نگه می‌دارد، مذاکره کند، یا توجه به این‌که اولویت اصلی آن‌ها حفظ منافع سیاسی فردی در برابر انگیزه‌های صرفاً مالی است.

دوم، احتمال مقاومت تخریب‌گران سیاسی وجود دارد. گلبدین حکمتیار، یک جنگ‌سالار و رئیس جناح سیاسی حزب اسلامی، در تعریف «تخریب‌گر کل» - کسی که قدرت کامل را دنبال می‌کند و اهدافش قابل تغییر نیست، مناسب است. بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵، حکمتیار دستور گلوله‌باران کابل را که باعث کشته شدن هزاران غیرنظامی شد، صادر کرد. این عمل لقب «قصاب کابل» را برای وی به ارمغان آورد و نشان داد آنچه را که وی از طریق مذاکرات نمی‌تواند به‌دست بیاورد، با زور تصاحب خواهد کرد.

حکمتیار که به سختی، تنها یک مخرب - یا قصاب - در فضای سیاسی افغانستان است، مدافع دولت موقت است که می‌تواند به قیمت از دست‌رفتن منافع ملی، به نفع او عمل کند. با یادآوری حکمتیار و دیگر فرماندهان جنگی دهه ۱۹۹۰، این یک اشتباه محاسباتی سنگین خواهد بود که تصور کنیم دولت موقت اهرم فشاری برای مجازات یا انکار چنین تخریب‌گرانی دارد که به هر قیمت به دنبال قدرت هستند، حتماً اگر منجر به کشتار جمعی یا فروپاشی دولت شود.

سوم، تقریباً اجماع سیاسی که پیش‌شرط لازم برای توسعه یک سیستم عملی برای

منبع: نیشادک موتوانی، ترجمان ترجمه: فاطمه فرامرز

دولت افغانستان برای بقا می‌جنگد، زیرا بازیگران خارجی و داخلی از نقاط ضعفش در آماده‌سازی برای خروج آمریکا استفاده می‌کنند. آخرین ابتکارات ایالات متحده برای «پایان مسئولانه» جنگ افغانستان که دولت افغانستان را به لبه‌ی چاقو نزدیک می‌کند، احتمالاً نتیجه‌ی معکوس خواهد داشت. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده در نامه‌ای که به تاریخ ۷ مارچ به بیرون درز کرد، در پیامی صریح اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان را ترغیب کرد تا با روندی موافقت کند که اساساً منجر به برکناری او از قدرت می‌شود، دولت وی را منحل می‌کند، به نظام جمهوری افغانستان پایان می‌دهد، قانون اساسی را باطل می‌کند و باعث ایجاد یک دولت «فراگیر» جدید می‌شود که شامل طالبان باشد. در مقابل، به‌رغم آنچه یک رابطه‌ی کاملاً یکپارچه با القاعده و خشونت مداوم ارزیابی می‌شود، به‌نظر نمی‌رسد که چنین اصطلاحاتی وجودی به طالبان که به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان دولت در حال انتظار ظاهر می‌شوند، تحویل داده شده باشد.

جای تعجب نیست که غنی کناره‌گیری را رد کرده و اصرار دارد که هرگونه دولت جدید از طریق انتخابات پدید آید. جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا هنوز در مورد این‌که آیا طبق توافق‌نامه آمریکا و طالبان که تحت رهبری دولت ترمپ در دو حه امضا شده، خروج نیروهای متفقین را امضا و تا اول ماه می دستور خروج همه‌ی نیروهای آمریکایی را صادر می‌کند یا نه، ابراز نظر نکرده است. بایدن در مصاحبه‌ی اخیرش اظهار داشت که رعایت مهلت خروج نیرو «دشوار» خواهد بود و افزود که توافق دو حه «یک معامله‌ی کاملاً محکم مذاکره‌شده نیست.» بایدن در جدیدترین اظهار نظرهای خود گفت: «از نظر تاکتیکی دشوار است که این نیروها را خارج کنیم.» طالبان درباره‌ی پیامدهای نقض این مهلت خروج هشدار داده‌اند.

بایدن گفت که قصد او ماندن «برای مدت طولانی» در افغانستان نبوده و «نمی‌تواند» تصور کند که نیروهای آمریکایی سال آینده در آن‌جاست:

«اما پرسش این است: چگونه و در چه شرایطی با آن توافق‌نامه‌ی منعقدشده توسط رئیس‌جمهور ترمپ تحت شرایط معامله‌ای که به‌نظر می‌رسد از ابتدا کارگر نبوده است، برخورد کنیم؟ چگونه انجام شده است؟»

رویکرد آمریکا که خواستار یک دولت موقت با انحلال دولت افغانستان است، صلح ایجاد نخواهد کرد، اما هر گونه امید را از بین می‌برد. با توجه به سقوط دولت پس از کمونیسیم، برهان‌الدین ربانی از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ نسبت به آغاز یک روند سیاسی که تلاش می‌کند

محمد موسا شفق

پراکندگی در اظهارات مقام‌ها در ارگ و گاه در سپیدار، بیشتر اوقات به پریشان‌گفتاری می‌ماند؛ پریشان‌گفتاری‌ای که مردم را نسبت به شفافیت و موفقیت روند صلح با تردید و دلهره روبه‌رو می‌سازد. این پریشان‌گفتاری شاید علت‌ها و دلایل زیادی داشته باشد. از عدم کنترل رئیس‌جمهور غنی و عبدالله عبدالله بر افراد و احزاب همسو با آنان گرفته تا حتماً گنگ‌بودن براینده پروسه‌ی صلح برای هردو. اما در یک نگاه کلی این پریشان‌گفتاری را در سه بخش می‌شود دسته‌بندی و نیت‌خوانی کرد.

۱. **تقلا برای بقا در قدرت.** رئیس‌جمهور غنی، معاونان او و افراد نزدیک به ایشان، به‌شدت تلاش دارند تا زمان برای ماندن در قدرت کمایی کنند. خریدن زمان برای آقای غنی و همراهانش، از هر طریق ممکن، قابل توجیه است. خطر از دست‌دادن قدرت برای تیم ارگ، گاهی چنان به کابوسی تبدیل می‌شود که نزدیکان آقای غنی نه‌تنها پراکنده اظهار نظر می‌کنند که حتماً متناقض و خارج از

نشانه‌شناسی پریشان‌گفتاری در حوزه‌ی جمهوریت

که به‌عنوان رئیس شورای عالی مصالحه از یک‌سو جایگاهش را در این نهاد تثبیت کند و از طرفی نقش کلیدی در پروسه‌ی صلح بازی کند.

یکی از مواردی که هم رئیس‌جمهور غنی و هم عبدالله عبدالله سخت در تلاشند تا امتیاز معنوی آن‌را از آن خود کنند، نقش اول بازی‌کردن در به‌موفقیت‌رساندن پروسه‌ی صلح است. چون این مورد ثبت تاریخ خواهد شد و آیندگان به عنوان قهرمان صلح و کسی که احتمالاً افغانستان را از یک بحران عمیق کرد. البته این پیش‌بینی نجات‌کشور از بحران چند دهه، در خوش‌بینانه‌ترین حالت متصور است.

داعیه‌ی تثبیت جایگاه برای رئیس شورای عالی مصالحه، باعث می‌گردد تا ایشان سخنان متفاوت از ارگ بر زبان بیاورد. گرچند این سخنان اغلباً معطوف به نشست‌های کمیته‌های کاری‌ای اند که در شورای عالی مصالحه برگزار می‌شوند؛ اما بازهم تبیین‌کننده‌ی دیدگاه‌های شخص آقای عبدالله است و در بسیاری موارد در مبنای موضوع‌گیری‌های ارگ.

کربلا کجای افغانستان است؟ یزید کی است؟ این زیاد، شمر و خولی کی‌ها اند؟

۲. **تثبیت جایگاه.** ضلع دیگر حوزه‌ی جمهوریت، سپیدار است. آقای عبدالله عبدالله، تا حالا در مقایسه با دوران حکومت وحدت ملی در مقام رئیس اجراییه با اقتدارتر ظاهر شده است و گویا مقتدرتر از آن دوره در موارد چالش‌برانگیز، مچ آقای غنی را می‌گیرد. فرستادن طرح صلح رئیس‌جمهور غنی به شورای عالی مصالحه ملی، سفرهای دوره‌ای آقای عبدالله به کشورهای منطقه، افتتاح مذاکرات صلح در دو حه و شرکت در نشست مسکو، از مواردی‌اند که نشان می‌دهد آقای عبدالله عبدالله در موقعیت برتر در پروسه‌ی صلح در مقایسه با رئیس‌جمهور غنی قرار دارد.

اما آقای عبدالله عبدالله در دوران حکومت وحدت ملی نتوانست، مطابق به تفاهم نامه‌ی سیاسی جایگاهش را تثبیت کند. بنابراین، این‌بار با توجه به اهمیت پیداکردن فرایند صلح و همگام‌ساختن احزاب سیاسی بر محوریت شورای عالی مصالحه، در تلاش‌اند

می‌دهد به جای امضاکردن توافق‌نامه‌ی صلح، مانند امام حسین تنها بماند! در حالی که آقای صالح فراموش می‌کند که امضای توافق‌نامه‌ی صلح به احتمال قریب به یقین مسئولیت او نیست یا به عبارتی، هیچ نوبت به او نمی‌رسد که ایشان به پای این «سند ننگ» امضا کنند. چون در پای آن سند، یا رئیس‌جمهور، یا رئیس شورای عالی مصالحه و یا هم رئیس تیم مذاکره‌کننده‌ی جمهوریت امضا خواهد کرد نه معاون اول رئیس‌جمهور.

علاوه بر آن، استفاده‌کردن از تشبیهاتی مانند امام حسین، پیش‌تر از آن‌که به قدسی‌سازی موضع ارگ یا شخص معاون رئیس‌جمهور کمک کند به سوء استفاده از نمادها و چهره‌های دینی در راستای مقاصد سیاسی قابل تعبیر است. همچنان استعاره‌ی امام حسین قابل تعمیم است. برای مخاطب آقای صالح این پرسش پیش می‌آید که ممکن در پای آن توافق‌نامه رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی مصالحه امضا کند و در آن صورت تنها شما امتناع می‌ورزید. پس در این حالت، تنها شخص معاون اول رئیس‌جمهور، مصداق تشبیه به امام حسین است که در این‌صورت،

گزارش

بسته‌بودن شاهراه‌های هرات؛ توقف فعالیت کارخانه‌های تولیدی و افزایش قیمت‌ها

■ **واجد روحانی - هرات**

دو شاهراه کلیدی ولایت هرات (هرات - اسلام‌قلعه و هرات - تورغندی) از روز شنبه، ۱۴ ماه حمل تاکنون به روی عبور موترهای باربری مسدود است. معترضان در این دو شاهراه از حکومت می‌خواهند که به‌خاطر آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه در ۲۵ ماه دلو به آنان غرامت بپردازد تا حاضر به بازگشایی این دو شاهراه شوند.

اما مسدودشدن شاهراه‌های هرات که مقصد اصلی ترانزیت کالا از طریق کشورهای ایران و ترکمنستان به افغانستان شمرده می‌شود، در کنار افزایش قیمت‌ها، باعث توقف فعالیت برخی از کارخانه‌های تولیدی در شهرک صنعتی هرات شده است.

مسئولان اتاق‌های تجارت و سرمایه‌گذاری و صنایع و معادن هرات روز پنج‌شنبه، ۱۹ حمل در یک کنفرانس خبری خواستار پایان اعتراض متضرران آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه شده‌اند.

هشدار از خالی‌شدن انبارها

مسئولان اتاق صنایع و معادن هرات می‌گویند که ذخایر مواد سوختی و ارتزاقی در یک هفته تمام می‌شود و با کاهش این ذخایر، قیمت مواد به میزان چشم‌گیری افزایش می‌یابد.

حمیدالله خادم، رییس اتاق صنایع می‌گوید که به‌گونه‌ی کلی ۳۰ تا ۴۰ درصد مواد ارتزاقی و سوختی به‌دلیل اعتراض رانندگان موترهای باربری بلند رفته و بیم افزایش این قیمت نیز وجود دارد: «ما ذخایر کلان استراتژیک نداریم و نمی‌توانیم به‌دلیل نبود امنیت کافی در این بخش سرمایه‌گذاری کنیم. سرمایه‌گذار ما در شرایط بد اقتصادی کنونی نمی‌تواند سرمایه‌ی خود را برای ایجاد ذخایر استراتژیک بند کند.»

هفته جاری ماه رمضان آغاز می‌شود و با شروع این ماه تقاضا برای خریداری مواد ارتزاقی افزایش پیدا می‌کند، اما حالا انبارهای بخشی از تاجران خالی از مواد است و این به معنای افزایش قیمت‌ها است.

همه ساله در آستانه‌ی ماه رمضان قیمت مواد اولیه بلند می‌رود و برخی از تاجران مواد را احتکار می‌کنند و با این کارشان توان خرید افراد فقیر افت می‌کند.

رکود کارخانه‌های تولیدی

بر بنیاد آمار مسئولان اتاق صنایع و معادن هرات از آغاز آتش‌سوزی گمرک هرات، تاکنون حدود ۸۰ درصد کارخانه‌های تولیدی در شهرک صنعتی این ولایت از فعالیت بازمانده‌اند و همچنین کارگران این کارخانه‌ها نیز بیکار شده‌اند.

حمیدالله خادم، رییس این اتاق هشدار می‌دهد که اگر شاهراه‌های هرات دوباره بازگشایی نشود و همچنین در راستای مبارزه با فساد در گمرک‌ها کاری صورت نگیرد، به شمار کارخانه‌های غیرفعال افزوده خواهد شد.

شهرک صنعتی هرات یکی از بزرگ‌ترین شهرک‌های صنعتی کشور شمرده می‌شود. صنعت‌گران روی بیش از ۳۰۰ کارخانه‌ی تولیدی سرمایه‌گذاری کرده‌اند و با فعالیت تمامی این کارخانه حدود ۲۷ هزار تن مصروف کار می‌شوند. شهرک صنعتی هرات جلو ورود قسمت زیادی از کالاهای مشابه از کشورهای همسایه را گرفته است

محمد لطیف فناویزیان، یکی از غول‌های تولیدی نوشابه‌های غیرالکلی و انرژی‌زا در افغانستان است. او ده‌ها میلیون دالر امریکایی را در ولایت‌های هرات، کابل و بلخ روی خطوط تولید این نوشابه‌ها سرمایه‌گذاری کرده، اما حالا بیش از سه روز می‌شود که به‌دلیل دسترسی نداشتن به مواد خام، دوونیم‌هزار کارمندش بیکارند.

او در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که با مسدودشدن شاهراه‌های کلیدی هرات، نتوانسته موترهای حامل مواد خام را برای ساخت مشروبات غیرالکلی وارد کند و این چرخه‌ی صادرات محصولات به کشورهای قزاقستان، اوزبیکستان، قرغیزستان و چندین کشور دیگر را متوقف کرده است.

شش کانتینر حامل مواد خام آقای فناویزیان در آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه به تاریخ ۲۵ دلو سال گذشته سوخت و به دنبال آن سطح تولیداتش کاهش یافت. او هشدار می‌دهد که تأخیر در ارسال مواد خام باعث خواهد شد که از نیروی شاغل در کارخانه‌هایش بکاهد: «مواد خام شرکت ما پشت مرزها متوقف است. هرچند ما حالا به کارمندان معاش می‌دهیم، اما آنان

آمار رسمی اتاق تجارت هرات نشان می‌دهد که اکنون بیش از دوهزار موتر در گمرک اسلام‌قلعه و صدها موتر در گمرک تورغندی متوقف‌اند. توقف این موترها نگرانی‌ها مبنی بر آتش‌سوزی در گمرک‌ها را بلند برده است. واردکنندگان کالاها می‌گویند که کم‌ترین امکانات برای مهار آتش‌سوزی در گمرک‌ها وجود ندارد.

مهم‌ترین این نگرانی‌ها، ترس از این است که دولت موقت جدید ارزش‌های حقوق بشر را هم‌چون عنصر اضافی دور می‌افکند، کشور را به جنگ داخلی می‌کشاند، افراد قدرتمند را قدرتمندتر به قدرت باز می‌گرداند، از دستاوردهای توسعه می‌کاهد و تسلط طالبان و پاکستان را در آینده سیاسی این کشور تقویت می‌کند. دولت موقت همچنین فرصت حذف رهبران سیاسی غیرمنتخب از طریق انتخابات را به افغان‌ها نمی‌دهد و اختلافات سیاسی را از جمله در خطوط قومی-سیاسی و فرقه‌ای افزایش می‌دهد.

هیچ یک از این‌ها بیان‌گر ثبات طولانی‌مدت در افغانستان نیست.

فاجعه استراتژی ایالات متحده-افغانستان در این است که ثابت شده است این استراتژی برای طالبان هدیه‌ای است که به آنان امتیاز می‌دهد درحالی‌که از دولت، حکومت، ارتش و مردم افغانستان مشروعیت‌زدایی می‌کند. فاجعه دیگر این است که اجماع بین‌المللی موجود در کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱ که فرایند بازسازی کشور افغانستان را پایه‌گذاری کرد، به یک توافق جهت تلاش برای خنثاکردن دولت افغانستان از نظر مطلوب طالبان تبدیل شده است.

به‌نظر می‌رسد که طالبان برای اجرای توافق دوحه هیچ الزامی ندارند، درحالی‌که شورشیان بارها بر شرایط این معامله تأکید کرده‌اند تا خروج همه نیروهای خارجی را تضمین کنند. آنچه به سرعت به طالبان واگذار می‌شود و فوراً نیاز است، یک رویکرد جسورانه است که می‌تواند همکاری بین‌المللی با دولت افغانستان را حفظ کند و تشخیص دهد که دستاوردهای به‌دست‌آمده قابل حفظ است. این رویکرد همچنین طالبان را به‌عنوان یک سازمان تروریستی خارجی تعیین می‌کند (که به‌رغم پرسش‌های مداوم، آنان فعلاً در فهرست سازمان‌های تروریستی نیستند) و پاکستان را متعهد کند که از پشتیبانی استراتژیک شورشیان دست بردارد و با آنان به‌عنوان خطر یک گروه تروریستی برخورد کند.

این ابزارها و سایر ابزارها هنوز در اختیار واشنگتن است که از آن‌ها در برابر دشمنان استراتژیک بسیار قوی‌تر از طالبان از جمله چین، کره شمالی و روسیه استفاده می‌کند. اما چنانچه که واشنگتن به‌دنبال پایان دادن به درگیری نظامی خود در افغانستان است، با مقدماتی که فراهم می‌کند، زمینه‌ی بازگشت افغانستان به دوره حاکمیت طالبان را - اما نه قبل از شروع فروپاشی کشور که با روشن کردن فیوز یک جنگ داخلی چندبعدی و به خاک‌سپردن دموکراسی، تضمین می‌کند.

دکتر نیشانک موتوانی معاون واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در کابل است. وی انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹ افغانستان و همچنین انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ را نظارت کرده است.

تحلیل

نفس پروسه‌ی صلح زیر این سه‌گونه خواست متفاوت و حتا متضاد است. خواست‌هایی که بیشتر از نقاط مشترک، موارد اختلافی دارد. عمده‌ترین علتی که حوزه‌ی جمهوریت به قرائت واحد از پروسه‌ی صلح نمی‌رسد همین تضاد منافع سه ضلع اصلی است. سه نهادی که تحت فشار امریکا تن به مذاکره داده‌اند و الا به‌محض کم‌شدن فشار قدرت‌های بیرونی، رقیبان سرسخت همدیگرند تا همکاران حوزه‌ی جمهوریت.

صلح در نظر این سه ضلع، بیشتر از آن‌که به معنای ختم جنگ تعبیر شود معنای حذف همدیگر و یا در ایثارگرایی‌ترین حالت، معنای تضعیف رقیب را می‌دهد. رییس‌جمهور غنی در تلاش ماندن در قدرت است و یا در نهایت، ختم‌شدن حکومتش به‌عنوان حکومت صلح تا با عنوان قهرمان صلح با قدرت خداحافظی کند. این دقیقاً همان چیزی است که آقای عبدالله عبدالله می‌خواهد که قهرمان صلح در ردای رییس شورای عالی مصالحه‌ی او باشد. در این میان، رهبران سیاسی، در کنار معماران صلح، هدف اصلی‌شان رسیدن به قدرت است تا حداقل، شش‌سال پسین را جبران مافات کند.

بود و از انحصار خشونت برخوردار نبود، این بدان معنا بود که هیچ تضمینی برای پیگیری یا اجرای دستورات وی وجود ندارد. بدون تضمین این‌که یک کشور ابزار تأمین امنیت را دارد، عرصه سیاسی بازی منصفانه‌ای خواهد بود و بازیگران را ترغیب می‌کند تا برای پیگیری اهداف خود از طریق خشونت متحد شوند.

در حال حاضر غنی به نیروهای امنیتی افغانستان فرماندهی می‌کند که درگیر عملیات فشرده‌ای هستند تا مانع دستیابی بیشتر طالبان به این کشور و گسترش دستاوردهای نظامی و سیاسی شورشیان شوند. واشنگتن با به زیر انداختن دولت فعلی، سبب تکه-تکه شدن نیروهای امنیتی افغانستان می‌شود که تاکنون مانع بروز یک فضای کاملاً مناقشه برانگیز شده‌اند که در آن رهبران سیاسی، احزاب و شبه‌نظامیان برای قدرت و سرزمین‌های سیاسی با یک‌دیگر درگیر می‌شوند. با شکست دولت موقت پیشنهادی، طالبان چیزهای زیادی به‌دست آورده و احتمالاً در مسابقه سیاسی و نظامی متعاقب آن، پیروز خواهند شد - همان اتفاقی که پس از تجربه دولت ربانی افتاد.

منافع واشنگتن توسط دولت افغانستان بهتر از یک سازمان تروریستی محافظت می‌شود. انحلال دولت عراق در مواجهه با دولت اسلامی باید یادآوری‌کننده‌ی خطرات سقوط دولت باشد و اگر نیروهای امریکایی از افغانستان خارج شوند و دولت فعلی را منحل کنند، احتمالاً این اتفاق می‌افتد.

به‌رغم هم‌گرایی منافع امریکایی و افغانی، به‌ویژه در زمینه مبارزه با تروریسم، دموکراسی، حقوق بشر و برابری، رویکرد ایالات متحده نتوانسته است طالبان را به خاطر بازیگری بدخیمی که دارند به رسمیت بشناسد و در عوض آن‌ها را برای آنچه که آرزو می‌کنند درک کند: بازیگری که می‌تواند به نفع مردم افغانستان سازش کند. با این حال، طالبان خواهان قدرت کامل هستند، نه قدرت مشترک. آنها متعهد به سرنگونی دولت افغانستان و ایجاد «دولت ناب اسلامی» هستند.

بیش از ۲۵ سال مقابله با طالبان جان‌های بی‌شماری را گرفته است. مجموعه‌ای سلسله ترورهای طالبان -همه پذیرفته نشده- که غیرنظامیان، روزنامه نگاران، قضات، مقامات دولتی و پرسنل امنیتی را هدف قرار می‌دهد، نشان دهنده‌ی شخصیت بدخیم دیرینه‌ی این گروه است که هدف آن خاموش کردن صدای مخالف، ایجاد اختلاف و افزایش ترس است. جایی برای داشتن دیدگاه متفاوت وجود ندارد و بسیاری‌ها - از جمله خود ربانی - با این باور که می‌تواند با طالبان صلح کنند، کشته شده‌اند. ربانی هنگام ترور در سپتمبر ۲۰۱۱، ریاست شورای عالی صلح افغانستان را بر عهده داشت که این شورا هرگز از رویداد کشته شدن ربانی نجات نیافت و بعداً توسط غنی در سال ۲۰۱۹ منحل شد.

افغان‌ها دلایل زیادی دارند که از چشم‌انداز تشکیل دولت موقت جدید ترس داشته باشند.

۳. **سهیم‌شدن در قدرت.** ضلع سوم حوزه‌ی جمهوریت، احزاب و چهره‌های سیاسی‌اند. کسانی که اغلب مخالف رییس‌جمهور غنی اند و از نظر سیاسی و تیم‌سازی، هم‌نظر با آقای عبدالله عبدالله. احزاب سیاسی در طول بیست‌سال پسین، به اندازه‌ی دوران رییس‌جمهور غنی انزوای سیاسی و تجریدشدن گام‌به‌گام از قدرت را تجربه نکرده بودند. البته این منزوی‌ساختن احزاب سیاسی از طرف آقای غنی به میزانی که منتقدان خودش را دارند موافقان را نیز با خود همراه دارند. حتا براساس خاطرات زلمی خلیلزاد در کتاب «فرستاده» که می‌گوید من در دورانی که در افغانستان به حیث سفیر امریکا فعالیت می‌کردم، تلاش در منزوی‌ساختن رهبران سیاسی داشتم و با رفتن این روند نیمه تمام ماند؛ گویا آقای غنی، در مواجهه با رهبران سیاسی همان راه نیمه تمام را خواست تکمیل کند.

اکنون رهبران سیاسی، با گرم‌شدن بحث صلح، در تلاش‌اند تا شکست‌شان را در این مدت جبران کنند و دوباره از طریق پروسه صلح، سهیم در قدرت شوند. اما چیزی که نگران‌کننده است تحت‌الشعاع قرارگرفتن

بیکارند و اگر مواد خام به ما نرسد، مجبور هستیم که بخشی از این کارگران را جواب بدهیم.»

او همچنین وضعیت کنونی افغانستان را ملتهب و آشفته ارزیابی می‌کند و از روزی می‌ترسد که مجبور شود به‌دلیل نابه‌سامانی‌های سیاسی و اقتصادی، سرمایه‌اش را از افغانستان خارج کند.

احمدسعید صدیقی، معاون اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که توقف هر موتر حامل کالاهای وارداتی از کشورهای ایران و ترکمنستان، تاجران را مجبور به پرداخت شبانه‌روز ۱۰۰ دالر امریکایی بابت جریمه در گمرک‌ها می‌کند.

او تأکید می‌کند: «چندین موتر حامل نفت‌وگاز، کود کیمیایی، آرد و گندم ما در گمرک‌ها متوقف است و ما مجبوریم که هر شب پول بابت توقیفی پرداخت کنیم. برخی از کالاهای وارداتی هم در صورتی‌که به مقصد نرسد، در داخل کانتینرها فاسد می‌شود.»

تکرار سناریو

آمار رسمی اتاق تجارت هرات نشان می‌دهد که اکنون بیش از دوهزار موتر در گمرک اسلام‌قلعه و صدها موتر در گمرک تورغندی متوقف‌اند. توقف این موترها نگرانی‌ها مبنی بر آتش‌سوزی در گمرک‌ها را بلند برده است. واردکنندگان کالاها می‌گویند که کم‌ترین امکانات برای مهار آتش‌سوزی در گمرک‌ها وجود ندارد. آنان تأکید می‌کنند که حکومت باید از آتش‌سوزی گمرک هرات درس بگیرد و تأسیسات برای مهار آتش‌سوزی را نیز بلند ببرد. احمدسعید عظیمیان، معاون اتاق تجارت و سرمایه‌گذاری هرات به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که باید هرچه زودتر به اعتراض متضرران آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه رسیدگی شود تا از بروز فاجعه جلوگیری شود: «شمارش معکوس برای تکرار فاجعه در گمرک اسلام‌قلعه آغاز شده است. احتمال دارد که بار دیگر آتش‌سوزی رخ بدهد و همچنین تا کم‌تر از ده روز دیگر، شهرک صنعتی به‌دلیل کمبود شدید مواد خام، تعطیل می‌شود.»

احمدسعید صدیقی، یکی از واردکنندگان مواد نفتی در هرات نگران است که تا از دحام بیش‌ازحد در گمرک‌های اسلام‌قلعه و تورغندی سناریوی آتش‌سوزی را یک بار دیگر محتمل‌تر می‌کند: «ترس ما این هست که رویداد آتش‌سوزی گمرک دوباره اتفاق بیفتد و سرمایه‌ی تاجران و مالکان موترهای باربری نیز دود هوا شود.»

عوض‌شدن مسیر تجارت

مسئولان در اتاق صنایع و معادن هرات می‌گویند که با مسدودشدن شاهراه‌های هرات - اسلام‌قلعه و هرات - تورغندی، مسیر تجارت از هرات تغییر کرده است و حالا بیشتر کالاهای ایرانی از طریق گمرک‌های ولایت‌های فراه و نیمروز وارد کشور می‌شود.

حمیدالله خادم، رییس این اتاق به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که عوض‌شدن مسیر تجارت، به معنی بلندرفتن قیمت کالاهای وارداتی و همچنین تضعیف جایگاه اقتصادی هرات به عنوان چهارراه اقتصادی افغانستان شمرده می‌شود.

معترضان کوتاه نمی‌آیند

سید وحید قتالی، والی هرات می‌گوید که خواست متضرران آتش‌سوزی گمرک اسلام‌قلعه را با مسئولان در مرکز کشور در میان گذاشته است.

براساس دستور رییس‌جمهور محمدشرف غنی، امرالله صالح، معاون نخست ریاست‌جمهوری مسئول پی‌گیری رویداد آتش‌سوزی اسلام‌قلعه است. اما مسئولان مطبوعاتی آقای صالح به درخواست ما مبنی بر ارائه جزئیات در مورد چگونگی پرداخت غرامت به متضرران این آتش‌سوزی برای دومین بار متوالی خودداری کرده‌اند.

این در حالی است که هیأت حکومت به ریاست غلام بهاء‌الدین جیلانی، وزیر دولت در امور رسیدگی به حوادث، عوامل آتش‌سوزی و همچنین خسارت مالکان موترهای باربری را تثبیت کرده است. پیش‌تر مسئولان در وزارت مالیه به روزنامه اطلاعات روز گفته بودند که مسئول پی‌گیری آتش‌سوزی گمرک هرات، دفتر امرالله صالح است.

بصیر آرین، نماینده‌ی معترضان به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که تاکنون هیچ توجهی به درخواست معترضان صورت نگرفته است: «هنوز هیچ توجه معناداری از سوی حکومت به خواست ما نشده است. هیچ تیم یا هیأت ویژه‌ای برای رسیدگی به این بحران تشکیل نشده است و یا اگر هم شده بعد از هفت روز هنوز با ما ارتباط نگرفته‌اند. حکومت هیچ توجهی به خواست مردم نکرده است.»

او به نمایندگی از معترضان می‌گوید تا هنگامی که به آنان خسارت پرداخت شود، دست از مسدودکردن دو شاهراه هرات برنمی‌دارند: «کوچک‌ترین تحرکی برای اعمال فشار یا استفاده از قوه‌ی قهریه برای شکستن تحصن مردم، بدون شک منجر به خلق فاجعه‌ی انسانی خواهد شد.»

خبرگزاری کیودو:

مقاومت امریکا برای رفع تحریم‌های غیراقتصادی مانع پیشرفت مذاکرات است

وی در این گفت‌وگو می‌افزاید: «چنان چه امریکایی‌ها قصد بازگشت به برجام را دارند، باید تمامی تحریم‌ها را به صورت عملی لغو کنند به گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران بتواند آن‌ها را راستی‌آزمایی کند.»

او درباره راستی‌آزمایی مدنظر ایران توضیح داد: «مفهوم راستی‌آزمایی این است که مثلاً جمهوری اسلامی باید در حوزه فروش نفت بتواند قراردادهای نفتی‌اش را منعقد و نفتش را صادر کند و منابع مالی درآمدش را از طریق کانال‌های بانکی به داخل منتقل کند و یا مصارف دیگری را برای آن در نظر بگیرد. یا در حوزه بانکی بتواند تراکنش‌های مالی‌اش را از کانال‌های مالی مختلف انجام بدهد.»

آقای غریب‌آبادی اضافه کرده که «موضوع گام‌به‌گام به هیچ وجه در گفت‌وگوها و مذاکرات مدنظر نیست و مطرح هم نشده است.»

عباس عراقچی، معاون وزیر امور خارجه و رئیس هیئت مذاکره کننده ایران نیز روز پنج‌شنبه، ۱۹ حمل، مذاکرات غیر مستقیم در خصوص توافق هسته‌ای موسوم به برجام در وین، پایتخت اتریش را مثبت ارزیابی کرد و گفت هنوز این مذاکرات به جمع بندی نرسیده است.

وی در گفت‌وگو با شبکه خبری پرس تی‌وی افزود: «نشانه‌هایی بروز کرده است که امریکایی‌ها در حال بررسی مواضع خودشان و حرکت به سمت برداشتن تحریم‌های کامل هستند.»

مقام‌های دولتی از جمله حسن روحانی در روزهای اخیر از «فصل تازه‌ای از تجدید حیات برجام» سخن گفته‌اند.

خود از این طرح ایران را نشان داده، اما کماکان، مذاکرات درباره «تدابیری» که برای لغو تحریم‌ها ضروری است، ادامه دارد.

بر اساس اظهارات این مقام ایرانی، جمهوری اسلامی ده روز پیش یعنی در روز ۲۹ ماه مارچ در نشست فرانکفورت آلمان طرح خود را ارائه کرده و «همه طرف‌ها» در نشست مجازی روز جمعه گذشته موافقت خود را با آن اعلام کرده‌اند.

ند پرایس، سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا روز ۱۸ حمل به صراحت گفته بود که ایالات متحده در راستای احیای توافق هسته‌ای موسوم به برجام، آماده برداشتن گام‌های لازم و تحریم‌های ناسازگار با این توافق است.

وی در عین حال افزوده بود که ماهیت دقیق هرگونه رفع تحریم، به «دیپلماسی» بستگی دارد و امریکا هیچ‌گونه مشوق یک‌جانبه‌ای به ایران نخواهد داد تا این کشور به پایبندی به تعهداتش برجامی خود بازگردد.

این در حالی است که جمهوری اسلامی بارها اعلام کرده تا امریکا همه تحریم‌ها علیه ایران را رفع نکند، این کشور به تعهدات برجامی خود باز نخواهد گشت.

این نکته‌ای است که کاظم غریب‌آبادی، عضو هیئت مذاکره‌کننده در وین درباره برجام، در مصاحبه با وبسایت رهبر جمهوری اسلامی بار دیگر بر آن تأکید کرده است.

او گفت: «رواقع رفع تحریم روی کاغذ آن هم به صورتی برای ما مطرح نیست، بلکه مشاهده اثرات عملی رفع تحریم‌ها، بسیار اساسی و کلیدی است.»



در توافق برجام هشدار داده که «زمان اندکی» برای رفع شکاف‌ها و اختلاف‌ها میان طرفین باقی مانده است.

آن طور که او گفته، جمهوری اسلامی در تلاش برای دستیابی به یک اجماع درباره طرح خود است، طرحی که در این گزارش با عنوان «طرح بازی آخر» معرفی شده است.

بر اساس این طرح، امریکا باید «همه تحریم‌ها اعمال شده، دوباره اعمال شده، یا دوباره نام‌گذاری شده» در دوران دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین ایالات متحده، را به صورت «یک‌جا» لغو کند.

این مقام ایرانی اضافه کرده با وجودی که امریکا «درک»

اطلاعات روز: یک مقام رسمی جمهوری اسلامی در گفت‌وگویی که روز جمعه، ۲۰ حمل، منتشر شد «مقاومت» ایالات متحده در برابر لغو تحریم‌های غیراقتصادی ایران را «اصلی‌ترین مانع» در پیشبرد مذاکرات احیای برجام معرفی کرد.

به نقل از رادیو فردا، خبرگزاری کیودو جاپان به نقل از این مقام جمهوری اسلامی که می‌گوید نخواسته است نامش فاش شود نوشت: «مقاومت در واشینگتن در برابر لغو تحریم‌های غیر هسته‌ای، مانع اصلی حرکت در مذاکرات است.»

این مقام ایرانی در عین حال به طرف‌های مقابل ایران

اوکراین ایران را به دستکاری در داده‌ها در پرونده هواپیمای اوکراینی متهم کرد

گزارش نهایی خود را درباره آن را روز چهارشنبه، ۲۷ ماه حوت ۱۳۹۹، منتشر کرده که مسئولیت شلیک را به اپراتور واحد پدافندی نسبت داده است.

انجمن خانواده‌های جان‌باختگان هواپیمای اوکراینی گزارش نهایی ایران را دارای ادعاهای متناقض عنوان کرده و آن را «تحقیق جنایتکاران درباره جنایت خود» خواندند.

همچنین انیس کالامار، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، اعلام کرد ایران در مساله شلیک موشک به هواپیمای مسافربری اوکراین و پس از این حمله مرگبار، مواردی از نقض حقوق بشر مرتکب شده و در توضیحاتش درباره شلیک به این پرواز تناقضات بسیاری دارد.

به تازگی، غلامعباس ترکی، دادستان نظامی پیشین تهران از صدور کیفرخواست علیه ۱۰ نفر از «مسئولانی» که در پرونده انهدام هواپیمای اوکراین دخیل بودند، خبر داد.

قبل از آن، وزرای خارجه اوکراین و کانادا در تماسی تلفنی بر ادامه همکاری دو کشور در چارچوب «گروه هماهنگی» برای یافتن پاسخ، اجرای عدالت و جبران خسارت برای خانواده‌های قربانیان هواپیمای منهدم‌شده اوکراینی تأکید کردند.

اما در مقابل، آرش خدایی، معاون استاندارد پرواز سازمان هواپیمایی کشوری در ایران و مسئول بررسی پرونده انهدام هواپیمای اوکراینی، گفت این سازمان تاکنون اعتراضی نسبت به گزارش نهایی این پرونده از سوی کشورهای مربوطه دریافت نکرده است.

سازمان هواپیمایی ایران پس از بیش از یک سال از شلیک سپاه پاسداران به هواپیمای مسافربری اوکراین،



انهدام هواپیما باید به طور رسمی در یک تحقیق فنی که قرار بود ایران مطابق با قوانین بین‌المللی انجام دهد، تأیید شود، ولی ایران تأکید می‌کند که «خطای انسانی» تنها وقوع این سرنوشتی است.

در ادامه بیانیه وزارت خارجه اوکراین آمده است اگر چنین خطایی واقعا روی داده باشد، در تحلیل ایران دلایل انهدام و سلسله وقایع منجر به آن وجود ندارد و این موضوع باعث «خشم منطقی و ناامیدی» طرف اوکراینی شده است.

کی‌یف تأکید کرد: «اوکراین کورکورانه هیچ گونه روایت شفاهی از سقوط پرواز پی‌اس ۷۵۲ را که مبتنی بر شواهد واقعی نباشند، باور نمی‌کند.»

وزارت خارجه اوکراین همچنین افزود ایران تمام تلاش خود را می‌کند تا روایت «خطای انسانی» را که «به نفع» این کشور است پیش ببرد و «حتی تلاش نمی‌کند تحلیل کند که چه چیز باعث این اشتباه کشنده شده است.»

پیشتر کانادا و اوکراین گزارش جمهوری اسلامی درباره هواپیمای اوکراینی را تلاشی برای پنهان کردن واقعیت خواندند و تأکید کردند این گزارش به سوالات موجود پاسخ نگفته و نتوانسته واقعیت یا مدرک محکمی ارائه دهد.

اطلاعات روز: وزارت خارجه اوکراین با انتشار بیانیه‌ای جمهوری اسلامی ایران را به «دستکاری» اطلاعات در پرونده انهدام هواپیمای اوکراینی متهم کرد.

به گزارش ایران اینترنشنال، در این بیانیه که روز جمعه منتشر شد، آمده: «طرف ایرانی به جای در نظر گرفتن اظهارات عینی مبتنی بر تجربه بین‌المللی در زمینه تحقیقات سوانح هوایی، به‌طور غیرمسئولانه‌ای به متهم کردن اوکراین به غیرسازنده بودن آدر همکاری متوسل شده است.»

این بیانیه می‌افزاید وقتی مقام‌های جمهوری اسلامی می‌گویند توضیحات درباره علت این فاجعه در جریان دو دور مذاکرات به اوکراین داده شده، به «دستکاری» اطلاعات اقدام می‌کنند.

پیشتر محسن بهاروند معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه ایران اعلام کرده بود «ما دو دور مذاکرات در کی‌یف و تهران داشته‌ایم و نمایندگان نهادهای مختلف ایران و اوکراین اعم از هواپیمایی کشوری، قضایی، نظامی، وزارتخانه‌های امور خارجه و غیره در جلسات حضور داشته‌اند و توضیحات جزئی در خصوص چگونگی وقوع این سانحه به آنها داده شده است.»

وزارت خارجه اوکراین در بیانیه خود تأکید کرد دلایل



دکترهنی، اوبولگولو و مالداری وزارت
وزارت زراعت، آبیاری و مالداری

معینیت مالی واداری
ریاست تهیه و تدارکات
آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی

د افغانستان اسلامي جمهوریت
جمهوری اسلامی افغانستان



«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تاسی از ماده چهارم و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که وزارت زراعت، آبیاری و مالداری در نظر دارد تا لات دوم پروژه (تدارک، انتقال و توزیع ۳۰۰ متریک تن تخم بذری شالی برای ۱۳ ولایت کشور تحت دولات با کد نمبر MAIL/PD/NCB/G33-01,02/1400) را به شرکت دولتی تخم‌های اصلاح شده بذری و خدمات زراعتی به قیمت مجموعی مبلغ (۵,۴۲۹,۰۰۰) پنج میلیونو چهارصدو بیست و نه هزار افغانی اعطا نماید.

اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشراین اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداری واقع کارته سخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.

این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل میعاد فوق الذکر وطی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی ۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶

سردبیر آنلاین: الباس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودرملک نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عبدالواحد حیدری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس و واجد روحانی

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهربار

صفحه آرا: رضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جویا

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲ شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷



د افغانستان اسلامي جمهوري دولت
دولت جمهوري اسلامي افغانستان
د کورنۍ، اوبولگولو او مالدارۍ وزارت
وزارت زراعت، آبياري و مالدارۍ
معينيت مالي و اداري
رياست تهيه و تداركات
بخش پروژه هاي بانک جهاني



پروژه اضطراري زراعتي و مصونيت غذايي
پروجکت نمبر P174748

گرنټ نمبر: TFOB3535/IDA Grant No. D7120/AF

اسم پروژه: شبکه آبياري قزل قلعه واقع قريه قزل قلعه ولسوالي رستاق و جوي شهر کهنه واقع شهر کهنه ولسوالي رستاق ولايت تخار

اطلاعيه تصميم اعطاي قرارداد

بدینوسیله به تاسی از حکم شماره ۵.۷۸ طرز العمل تدارکات بانک جهانی و شرطنامه معیاری بانک جهانی قسمت اطلاعاتیه تصمیم اعطای قرارداد به اطلاع عموم رسانیده میشود، که ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد، قرارداد پروژه شبکه آبیاری قزل قلعه ولسوالي رستاق و جوی شهر کهنه واقع شهر کهنه ولسوالي رستاق ولايت تخار تحت شماره تشخیص AF/MAIL/EATS-193101-193102/B089-B063-CW-RFB را به شرکت ساختمانی تل و دان دارنده جواز نمبر D-۳۸۶۹۱ و نوریان وردک دارنده جواز ۴۳۹۷۰ حیدری پلازا خوشحال خان، کابل به قیمت مجموعی مبلغ ۲۴۲۹۱۱۳۲.۷۰ (بیست و چهارمیلیون دو صد و نود و یک هزار و سی و دو اعشاریه هفتاد افغانی) اعطاء نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هر گونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند درخواست خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی ده (۱۰) روز کاری طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري وفق احکام شماره ۵.۷۸ طرز العمل تدارکات بانک جهانی ارائه نمایند. این اطلاعاتیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل میعاد فوق الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

Notification of Intention to Award

Employer: Ministry of Agriculture, Irrigation and Live Stock (MAIL)

Project: Emergency Agriculture & Food Supply (EATS) Project

Contract title: Improvement Works of Qazel Qala Ishanaha Irrigation Scheme Located at Qazal Qala Village, Ruštaq District and Joye Shahri Kohna Irrigation Scheme Located at Shahri Kohna Village Ruštaq District of Takhar Province

Country: Islamic Republic of Afghanistan

(Credit No/Grant No. ARTF Grant Number TFOB3535/IDA Grant No. D7120/AF

AF/MAIL/EATS- 193101-193102/B089-B063-CW-RFB

This Notification of Intention to Award (Notification) notifies you of our decision to award the above contract. The transmission of this Notification begins the Standstill Period. During the Standstill Period you may:

- Request a debriefing in relation to the evaluation of your Bid, and/or
- Submit a Procurement-related Complaint in relation to the decision to award the contract.

1. The successful Bidder

Name:	Company: Talwadan CC JV Norian Wardak CC
Address:	Khushal khan mina, Kabul, 5th district Haidari plaza
Contract price:	24,291,132.70 Afghani

2. Other Bidders:

Name of Bidder	Bid price	Evaluated Bid price (if applicable)
Tal Wadan JV Norian wardak CC	242,911,327.00	242,911,327.00
Best Crown CC	35,133,272.83	35,133,272.83
New Ahmadi JV Build Star CC	32,732,334.00	32,732,375.10
Jaihoon Badakhshan CC	30,959,994.23	31,230,081.00
Kapisa Kohan JV New gulbahar CC	34,747,067.04	33,009,704.53
Ascent JV Parwiz ghafair CC	25,299,788.50	25,299,823.50
yusuf Zia CC JV Shirzai Madokhil CC	25,709,642.10	24,276,842.10
Edrees Ubaid CC	33,618,272.00	31,538,504.00
Bakhtar Piroz CC	29,962,927.91	29,745,482.90
Rashid sultani CC	34,065,100.50	34,065,100.50
Malik Hajdar CC	34,811,081.00	34,811,080.90
Muram Kamiar CC	32,251,848.00	30,639,489.96

3. Reason/s why your Bid was unsuccessful

The main reason for the non-responsive bidders are:

A) High Price,

4. How to request a debriefing?

DEADLINE: The deadline to request a debriefing expires at midnight on 20-April-2021 at 12:00 AM local time.

You may request a debriefing in relation to the results of the evaluation of your Bid. If you decide to request a debriefing your written request must be made within three (3) Business Days of receipt of this Notification of Intention to Award.

Provide the contract name, reference number, name of the Bidder, contact details; and address the request for debriefing as follows:

Attention: [Mohammadullah Sahil]

Title/position: [Procurement Director]

Agency: [Ministry of Agriculture, Irrigation and Live Stock]

Email address: mohammadullah.sahil@mail.gov.af

If your request for a debriefing is received within the 3 Business Days deadline, we will provide the debriefing within five (5) Business Days of receipt of your request. If we are unable to provide the debriefing within this period, the Standstill Period shall be extended by five (5) Business Days after the date that the debriefing is provided. If this happens, we will notify you and confirm the date that the extended Standstill Period will end.

The debriefing may be in writing, by phone, video conference call or in person. We shall promptly advise you in writing how the debriefing will take place and confirm the date and time.

If the deadline to request a debriefing has expired, you may still request a debriefing. In this case, we will provide the debriefing as soon as practicable, and normally no later than fifteen (15) Business Days from the date of publication of the Contract Award Notice.

5. How to make a complaint?

Period: Procurement-related Complaint challenging the decision to award shall be submitted by midnight, [20-April-2021] (12:00 AM).

Provide the contract name, reference number, name of the Bidder, contact details; and address the Procurement-related Complaint as follows:

Attention: [Mohammadullah Sahil]

Title/position: [Procurement Director]

Agency: [Ministry of Agriculture, Irrigation and Live Stock]

Email address: [mohammadullah.sahil@mail.gov.af]

At this point in the procurement process, you may submit a Procurement-related Complaint challenging the decision to award the contract. You do not need to have requested, or received, a debriefing before making this complaint. Your complaint must be submitted within the Standstill Period and received by us before the Standstill Period ends.

Further information:

For more information see the Procurement Regulations for IPF Borrowers (Procurement Regulations)[<https://policies.worldbank.org/sites/ppf3/PPFDocuments/Forms/DispPage.aspx?docid=4005>] (Annex III). You should read these provisions before preparing and submitting your complaint. In addition, the World Bank's Guidance "How to make a Procurement-related Complaint" [<http://www.worldbank.org/en/projects-operations/products-and-services/brief/procurement-new-framework#framework>] provides a useful explanation of the process, as well as a sample letter of complaint.

In summary, there are four essential requirements:

You must be an 'interested party'. In this case, that means a Bidder who submitted a Bid in this bidding process and is the recipient of a Notification of Intention to Award.

The complaint can only challenge the decision to award the contract.

You must submit the complaint within the period stated above.

You must include, in your complaint, all the information required by the Procurement Regulations (as described in Annex III).

6. Standstill Period

DEADLINE: The Standstill Period is due to end at midnight on 20-April-2021 at 12:00AM (local time).

The Standstill Period lasts ten (10) Business Days after the date of transmission of this Notification of Intention to Award.

The Standstill Period may be extended as stated in Section 4 above.

حساب جاری زنان

ازوی بانک سورت دارد که حساب جاری زنان را به شما معرفی می کند که محصولی اختصاصی برای جامعه مشرک و شریف زنان افغانستان میباشد. محصول منگور حساب جاری به پول مرد می افشاند و دادر امریکایی و برابر هزینه تلفات در قرضه های منگور های خود پرداز صرفی و منسور ثبت کارت ها و هجوتان خدمات رایگان پینو گرفته و بدون هزینه نگهداشت حساب میباشد. این حساب با حد اقل 500 افغانی و 80 دالر امریکایی افتتاح میگردد که لذتترین نرخ برای بانکداری بتواند میباشد.

1515

www.azizbank.af

دکستر فیلکینز، نیویورکر
مترجم: جلیل پژواک

مذاکره کنندگان دو طرف در هتل شرق دوحه، استراحت‌گاهی ساحلی با ساختمان‌های طاق نما کنار استخرهای کاشی-تزیینی-کارشده گردهم آمدند. برای برخی نمایندگان این هتل، مکانی عجیب و غریب برای پایان دادن به یک جنگ به نظر می‌رسید. کوفی گفت: «وقتی دارید اطراف هتل قدم می‌زنید، آدم‌ها را در حال شنا می‌بینید. زنان با بیکیینی راه می‌روند. بعد وارد اتاق جلسه می‌شوید تا درباره سرنوشت کشور صحبت کنید.»

اوایل مذاکرات حس انزجار بین دو طرف به قدری شدید بود که حتا در ایستادن کنارهم در یک اتاق راحت نبودند. یک مقام قطری به من گفت: «حتا به هم نگاه نمی‌کردند.» پس از چند روز آن‌ها در اتاق کنفرانس هتل شرق نشستند، اما حتا در آن زمان هم برخی نمایندگان به سختی می‌توانستند عصبانیت‌شان را مهار کنند. سه هفته قبل افراد مسلح طالبان برادرزاده نادر نادری، یکی از مذاکره‌کنندگان حکومت را کشته بودند. نادری خودش در دهه نود هنگامی که فعال دانشجویی بود، توسط طالبان دستگیر و شکنجه شده بود. او به من گفت: «نمی‌توانم به شما بگویم چقدر دلم می‌خواست مذاکرات را ترک کنم.» دیگر عضو هیئت حکومت، متین بیگ، پدرش را ده سال قبل در حمله طالبان از دست داده است. سومین مذاکره کننده، معصوم استانکزی، از سه حمله و برخورد موثرش با بمب جان سالم به در برده است.

طالبان گلايه‌های خاص خودشان را داشتند. در میان مذاکره‌کنندگان این گروه یکی هم خیرالله خیرخواه بود. کسی که به تاسیس جنبش طالبان کمک کرد و بعدا وزیر داخله رژیم طالبان در افغانستان شد. سال ۲۰۰۱ در روزهای آشفته پسا حمله ایالات متحده، خیرخواه راه مذاکره پیش گرفت تا مخبر سازمان سیا شود. (او این را تکذیب می‌کند) با شکست این مذاکرات اما خیرخواه به شهر مرزی چمن در پاکستان گریخت. او را دستگیر کردند، سوار هواپیما کردند، دست‌هایش را بستند، بر سرش کیسه کشیدند و به زندان تازه‌گشوده‌ی امریکا در خلیج گوانتانامو منتقلش کردند. او به من گفت: «پرواز برایم بی پایان بود. سفری بود به جهنم.» خیرخواه گفت که در گوانتانامو او را از خواب محروم کردند، ساعت‌ها به صندلی می‌بستندش، از درمان به موقع پزشکی محروم بود و ماه‌ها تحت بازجویی قرار داشت. او می‌گوید که در گوانتانامو تجربه لحظاتی از مهربانی را نیز داشته است، به گونه مثال در یک مورد یک افسر پولیس زن برای کمک به خوابیدنش به او گوش‌بندهای پلاستیکی را که در رول کاغذ توالت پنهان کرده بود، دزدکی می‌دهد. اما گوانتانامو برای خیرخواه اکثر اوقات خسته‌کننده بود.

خیرخواه به بازجویان گفته بود که او فقط کارمند اداره طالبان بوده. اما دادستان‌های امریکایی می‌گفتند که او از جمله فرماندهان نظامی این گروه بوده که در قتل عام غیرنظامیان هزاره در افغانستان دست دارند. اما بیشتر این شواهد محرمانه است. در سال ۲۰۰۹ باراک اوباما در سخنرانی خود پیشنهاد کرد که مواردی مانند پرونده خیرخواه در دست‌های قرار دارد که قضاوت درباره‌اش دشوار است. او گفت: آن‌ها برای متهم‌شدن بیش از حد بی‌گناه و برای آزادشدن بیش از حد گناه‌کار اند.

چند سال گذشت و در سال ۲۰۱۴ یک سرباز امریکایی دم دروازه سلول خیرخواه ظاهر شد و به او گفت که دارند به حبس خانگی در قطر منتقلش می‌کنند. او و چهار عضو ارشد دیگر طالبان را با «بونی برگدال»، سرباز امریکایی که سال ۲۰۰۹ اسیر شده بود، مبادله می‌کردند. خیرخواه چیز زیادی درباره قطر نمی‌دانست، اما نگهبانانش به او اطمینان دادند که قطر کشور مسلمان است. همانطور که بعدا مشخص شد، زندگی در قطر آسان بود. همسر و فرزندان به خیرخواه ملحق شدند، به وی یک باب آپارتمان تعلق گرفت و همه هزینه‌ها را نیز حکومت قطر پرداخت.

خیرخواه تازه در آپارتمانش مستقر شده بود که دوباره فراخوانده شد: این بار به‌عنوان مذاکره‌کننده از طرف طالبان برای توافق صلح افغانستان انتخاب شده بود. اندکی بعد اولین ملاقات او با هم‌تایان امریکایی‌اش کلید خورد. این بار در برابرش دیپلمات‌ها به جای سرباز ایستاده بودند. او گفت: «تاگهان من در حال مذاکره با همان افرادی بودم که مرا زندانی کرده بودند. این احساس خیلی عجیب است.» در گفت‌وگوهای فعلی ناظران امریکایی متوجه شدند که به نظر می‌رسد طالبانی که در گوانتانامو زندانی بودند، اکنون به سختی می‌توانند تمرکزشان را حفظ کنند. یک مقام ارشد امریکایی به من گفت: «مقاومت جسمی و روانی آن‌ها به وضوح طی مدتی که آنجا بوده‌اند متأثر شده است.» با این حال اعضای تیم طالبان جسور بودند. مذاکره‌کنندگان قبل از این‌که بتوانند کار روی موضوعات اساسی را آغاز کنند، باید کد رفتاری مذاکره را طرح می‌کردند. طالبان پیشنهاد کردند

امریکا در آستانه‌ی خروج، افغانستان در لبه‌ی پرتگاه (۲)

آیا مذاکره با طالبان همراه با احتمال خروج نظامی امریکا به صلح می‌انجامد یا به فروپاشی افغانستان؟



وقتی داشتیم رانندگی می‌کردیم، یک کامیون ارتش افغانستان بدون توقف از آنجا عبور کرد. به لحاظ فنی پولیس و سایر نیروهای امنیتی از ورود به محله منع نیستند، اما باید انتظار حمله را داشته باشند. وقتی که من و علی به سمت خانه بزرگ و متروکه بر فراز تپه ای نزدیک می‌شدیم، او به پنجره خانه اشاره کرد و گفت: «سال گذشته ما یک قاضی را که در آنجا زندگی می‌کرد کشتیم.» موتر حامل مان از کنار آهن پاره‌ای گذشت. علی گفت: «اینجا می‌توانی ببینی که ما یک موتر امنیت ملی را منفجر کردیم.» ریاست امنیت ملی افغانستان معادل اف‌بی‌آی ایالات متحده است.

علی، ملایم اما با لحن مطمئن، به من گفت که طالبان در قلائی عبدالعلی مالیات جمع‌آوری می‌کنند، امنیت مردم را تأمین و در خیابان‌ها گشت‌زنی می‌کنند. هر کامیونی که از آن محله عبور می‌کند (روزانه صدها کامیون از این بزرگراه عبور می‌کند) باید به طالبان مالیه بدهد. علی رسیدی از راننده‌ای را به من نشان داد که اخیرا کامیون حامل مواد شوینده را از ولایات فاریاب آورده بود. بر روی کاغذ رسید عنوان «مارت اسلامی افغانستان» همراه با یک شماره تلفن و یک آدرس ایمیل نوشته شده بود. علی گفت: «حکومت پر از دزد است. ما مرجع واقعی هستیم.»

ساکنان محله لزوما نه از تسلط طالبان بر قلائی عبدالعلی خوشحال بودند و نه به دولت اعتمادی دارند. سلطان، افسر سابق پولیس به من گفت که در سال‌های پسا ۲۰۰۱ او با الهام از فرمانده پولیس محلی، که از نظر وی فردی صالح و صادق بوده، وارد نیروی پولیس شد. اما همکاری‌اش از مردم محلی رشوه می‌ستاندند. او گفت که برای ورود به صفوف نیروهای پولیس مجبور شد حقوق چندماه‌اش را رشوه دهد. در همین حال ماجراهای فساد و فعالیت های غیرقانونی رهبران کشور نیز روز به روز بیشتر شد. از جمله این فساد یکی هم بچه بازی است؛ کاری که جنگ سالاران در دهه نود انجام می‌دادند و پسران جوان را به‌عنوان برده جنسی نگه می‌داشتند. سلطان ویدیویی را نشانم داد که در شبکه‌های اجتماعی میان کاربران دست به دست می‌شود. ویدیو یک مقام سابق حکومت افغانستان را در حال عشوہ آمدن برای یک پسر رقصنده نشان می‌دهد. سلطان گفت: «قلبم تیره و تار می‌شود.» او گفت که یک و نیم سال قبل پس از ترور فرمانده محلی که در بالا به وی اشاره شد، وظیفه اش را ترک کرد. او اکنون راننده یک مینی بوس است. طالبان شبانه در بزرگراه گشت می‌زنند. تا خود کندهار. سلطان گفت: «جاده اکنون امن است.»

در طبقه دوم خانه‌ای در میدان اصلی قلائی عبدالعلی من با سه طالب که مردان میان سال بودند و می‌گفتند که از زمان آمدن امریکایی‌ها به افغانستان در حال جنگند، صحبتی داشتم. رهبر گروه خودش را هدایت معرفی کرد. او ریش خاکستری

که اختلافات فقط و فقط براساس فقه اهل سنت حل و فصل شود. نمایندگان حکومت اصرار داشتند که از مردم شیعه افغانستان نیز باید نمایندگی شود. سادات نادری، از اعضای تیم حکومت، به من گفت: «ما برای آن‌ها واضح ساختیم که پای تنوع جامعه خود می‌ایستیم.» طالبان (که اعضای شان قبل از سال ۲۰۰۱ غیرنظامیان شیعه را قتل عام می‌کردند) با این سخن تیم حکومت از اتاق خارج شدند. آن‌ها بالاخره به میز چانه‌زنی بازگشتند اما اوضاع بهتر نشده بود. نادری به خاطر دارد: «آن‌ها به ما گفتند که ما عروسک‌های خیمه شب بازی کافران هستیم. آن‌ها به ما گفتند که جنگ تمام شده است.» خیرخواه به من گفت که توافق صلح فیروزی ۲۰۲۰ با ایالات متحده، طالبان را به‌عنوان پیروز این جنگ تعیین کرده است. او گفت: «ما امریکایی‌ها را در میدان جنگ شکست دادیم.» حفیظ منصور، وزیر پیشین حکومت افغانستان، امریکایی‌ها را مقصر می‌داند که به طالبان این تصور را داده اند که آن‌ها در جنگ پیروز شده‌اند. او گفت: «با امضای توافق، ایالات متحده به آن‌ها مشروعیت بخشید.» در جریان جلسات دو طرف بر سر یک دیگر فریاد می‌زدند. رهبران طالبان می‌گفتند که مقامات افغانستان نماینده یک دولت نامشروع هستند که توسط کافران حمایت می‌شود و از طریق پول غرب اداره می‌شود. نادری گفت: «آن‌ها بسیار مغرور بودند. فکر می‌کردند آن‌جا آمده‌اند تا درباره شرایط تسلیمی ما بحث کنند. آن‌ها می‌گفتند ما نیازی به صحبت با شما نداریم. می‌توانیم ساده غالب شویم.»

از سال ۲۰۰۱ به بعد صحنه اصلی درگیری‌ها حومه افغانستان بوده است؛ حکومت کنترل شهرها را حفظ کرد، اما طالبان برای کنترل روستاها و شهرک‌ها به ویژه در مناطق جنوبی افغانستان، سرزمین اصلی طالبان، جنگیدند. اما اوایل سال جاری این پارادایم ازمه پاشید. طالبان نفوذشان بر مناطق شمالی افغانستان را گسترش دادند و دولت سایه این گروه شروع به خزیدن به درون شهرها کرد.

ماه جنوری من از محله قلائی عبدالعلی در غرب کابل بازدید کردم. این محله در امتداد شاهراه ملی افغانستان قرار دارد که از جنوب به قندهار می‌رسد. جنگ‌جویان طالبان که دستارهای سیاه شان آن‌ها را از جمعیت عادی متمایز می‌کند، در خیابان‌ها و کوچه‌های محله پرسه می‌زدند. یک دهه پیش هنگامی که نزدیک به ۱۵۰ هزار سرباز امریکایی و ناتو در افغانستان حضور داشت، دیدن چنین صحنه‌ای غیرقابل تصور بود.

در قلائی عبدالعلی حکومت بیشتر در خفا است. دسته‌ای از نیروهای پولیس پشت موانع «هسکو» موضع گرفته بودند. مردم محل گفتند که اقتدار اصلی در دست یک طالب به نام شیخ علی است. شیخ علی محله را به من نشان داد. وقتی داشت سوار موترم می‌شد، گفت: «من شاروال هستم.»

نامرتبی داشت و بر بالشی لمدیده بود و با تنگ کردن چشمانش مرا می‌پایید. هدایت ساده و مختصر گفت که جنگ‌جویان طالبان دو سال پیش از وردک، ولایت مجاور کابل، به این محله آمده‌اند. او گفت: «طالبان اکنون کل وردک را کنترل می‌کنند. ما می‌توانیم مردم را از سراسر کشور جمع کنیم.» او گفت که این روزها قلائی عبدالعلی از چنان امنیتی برخوردار است که طالبان از آن برای راه‌اندازی حملات شان بر سایر مناطق پایتخت استفاده می‌کنند. «آ! بلی!» یکی از طالبان وسط حرفش پرید. هدایت به من گفت که گروه محلی وی آتش‌بس طالبان با امریکایی‌ها را رعایت می‌کنند. اما وقتی ازش درباره معامله با حکومت افغانستان پرسیدم، لبخندی آمیخته با تحقیر زد و گفت: «ها قرار نیست با کسی قدرت را تقسیم کنیم.»

فرشته کوهستانی پانزده ساله بود که طالبان سقوط کرد و فضا برای آزادی‌های جدید باز شد. طی این دو دهه گذشته او به‌عنوان حامی فقرا در ولایت اجدادی‌اش، کاپیسا، در شمال کابل، فعالیت کرد و به خانواده‌های فقیر در یافتن غذا و دارو کمک کرد. او سبک زندگی امروزی داشت، موتر خودش را می‌راند، با شلوار جین می‌گشت، لبخندی درخشان بر لب داشت و از مردان قدرت‌مند رک و صریح سوال می‌پرسید. او در فیسبوک می‌نوشت و خواستار بهبود شرایط بود. او از شوهرش جدا شد، وقتی دید او مانع فعالیت‌هایش می‌شود. روهین، برادرش، به من گفت: «نمی‌توان کسی را با شهادت و شجاعت فرشته تصور کرد. او با جامعه سنتی احمق ما سروکله می‌زد.»

فرشته کوهستانی پیامک‌های تهدیدآمیز دریافت می‌کرد اما نادیده شان می‌گرفت. اما ناگهان حدود یک سال پیش گروهی از مردان چاقو به دست او را محاصره کردند و یکی از آن‌ها وقتی فرشته داشت فرار می‌کرد، چاقویش را به پهلوی او فرو کرد. قبل از این رویداد، در ماه دسامبر، فرشته کوهستانی از حکومت خواستار محافظت از خودش شده بود. او در پست فیسبوکی نوشته بود که «من جوان ترس و اضطراب نیستم. ترس من از آینده خانواده‌ام و همکاری‌ام است که بعد از من در این خرابکده‌ی سرنوشت می‌ماند.» دوازده روز بعد از این پست، وقتی فرشته و برادرش شهرام در کاپیسا سوار موتر بودند، دو موتورسایکل از کنار آن‌ها در حرکت بود و یکی از آن‌ها خواهر و برادر را به ضرب گلوله کشت. وقتی به خانه کوهستانی رفتم، خانواده‌اش هنوز عزاراد بودند. نجیب‌الله، پدر فرشته، گفت که مطمئن نیست چه کسی دخترش را کشته است، اما مرگ او شباهت بسیاری به قتل‌های ماه‌های اخیر در افغانستان دارد. او گفت: «آن‌ها نخبه‌ها را می‌کشند.»

مقامات ایالات متحده در مذاکره با طالبان به صراحت اعلام کردند که انتظار دارند بمب‌گذاری انتحاری و سایر حملاتی که تلفات بالا دارد، پایان یابد. اکنون به نظر می‌رسد که طالبان به جای راه‌اندازی حملات با تلفات بالا، کارزاری را آغاز کرده‌اند که هدف آن ترساندن نخبگان تحصیل کرده افغانستان است. طی یک سال گذشته بیش از ۵۰۰ افغان در حملات هدف‌مند کشته شده‌اند. بسیاری از قربانیان مورد اصابت گلوله قرار گرفته‌اند یا در اثر انفجار موتر حامل‌شان به وسیله «بمب چسبکی» جان باخته‌اند. ملاله میوند، مجری تلویزیونی در جلال‌آباد، پامیر فیضان، ثارنوال نظامی و ذکیه هروی، یکی از دو قاضی زن دادگاه عالی کشور که کشته شدند، از جمله این قربانیان هستند. پریشانی عمیقی شهرهای افغانستان را فراگرفته است. یک مقام حکومت به نام علی فرهاد هویدا به من گفت: «احساس می‌کنم در اتافی تاریک پر از آدم هستم و نمی‌دانم چه کسی مرا می‌زند.»

طالبان مسئولیت این حملات را نمی‌پذیرند، اما مقامات افغان می‌گویند که بسیاری از این حملات توسط شبکه حقانی اجرا می‌شود. امرالله صالح، یکی از دو معاون رییس جمهور، به من گفت که فرماندهان طالبان در ملاقات‌شان در پاکستان اوایل سال گذشته طرح این کارزار را ریختند. صالح گفت که قبل از این‌که ایالات متحده با طالبان توافق کند، او به وزیر خارجه وقت امریکا، مایک پومپئو، و وزیر دفاع وقت امریکا، مارک اسپر، از این کارزار هشدار داد. (وزارت امور خارجه ایالات متحده می‌گوید این هشدار صالح را ثبت ندارد.) صالح گفت: «ما به آن‌ها گفتیم که دقیقا چه اتفاقی قرار است بیفتد.» پومپئو و اسپر اما تصمیم‌شان را گرفته بودند.

اما همه قربانیان این موج ترور، دشمن طالبان نیستند. در ماه جون سال ۲۰۱۹ وقتی استاد عبدالسلام عابد سوار موتر و در مسیرش به سمت دفتر بود، بمبی در عقب موترش منفجر شد و او را از ناحیه گردن زخمی کرد. عابد هر هفته در نماز جمعه مسجد عثمان غنی خطاب به جماعت می‌گفت که افغان‌ها باید باهم آشتی کنند. او هرچند گاهی از طالبان انتقاد می‌کرد، اما طرفدار گفت‌وگو بود. او معتقد است که حکومت و حامیان امریکایی‌اش خشونت را به راه انداخته‌اند. او در خانه‌اش در کابل، با اشاره به زخم روی گردنش به من گفت: «صددرد مطمئن هستم که حکومت این کار را انجام داده است.»